

صدرا

نشریه‌ی دانشجویان اقتصاد

اقتصاد اسرائیل پس از جنگ سی و سه روزه

سال تحرک اقتصادی

نگاهی بر روند تبیین سیاست‌های کلی اصل ۴۴

عدالت، قربانی نظم بازار

بررسی تغییر فرمول نرخ بهره

آیا گرفتن نرخ تورم در قرض، ریاست؟





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ۴ حرف اول
- سال تحرک اقتصادی
- ۵ بخشی از سخنان مقام معظم رهبری در اول فروردین ماه ۱۳۸۶
- آیا گرفتن نرخ تورم در قرض، ربا است؟
- ۶ بررسی فقهی و اقتصادی تفاوت نرخ تورم و ربا در قرض
- ۷ نگاهی بر روند تبیین سیاست‌های کلی اصل ۴۴
- اقتصاد اسرائیل پس از جنگ سی و سه روزه
- ۱۱ بررسی وضعیت اقتصادی اسرائیل پس از جنگ با حزب الله لبنان
- عدالت، قربانی نظم بازار
- ۱۴ گفتاری در باب رویکرد دئیستی فون هایک به عدالت اجتماعی
- بررسی تغییر فرمول محاسبه‌ی نرخ بهره
- ۱۷ نگاهی به فرمول جدید پیشنهادی برای محاسبه‌ی نرخ بهره
- اقتصاد برای همه: و این پول‌های کثیف
- ۱۸ پولشویی
- ۱۹ اخبار دانشکده
- ۲۰ اخبار اقتصادی ایران
- اسلام و توسعه اقتصادی
- ۲۲ معرفی کتاب
- SSRN.com
- ۲۳ معرفی شبکه‌ی تحقیقات علوم اجتماعی
- ۲۵ The Exchange Rate System in Iran
- ۲۶ Without Description!
- ۲۷ Economic Jokes of the Month



صدر

نشریه‌ی دانشجویان اقتصاد
دوره‌ی جدید - شماره‌ی سوم
فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶

مدیر مسؤؤل:
مهدی طغیانی

سر دبیر:
علی سعیدی

دبیر تحریریه:
مسلم بمانپور

تحریریه:
محمدجواد رضائی، مهدی موحدی، عبدالحسین
جلالی، حسین میسمی، احسان آقاجانی معمار،
محمدعلی نظری

با تشکر از:
مهدی اینثاری نیا، حمیدرضا آخوندزاده،
ایمان حقیقی، حمید خواجه احمدی، حسن کیایی،
علی استاجی و مهدی موسوی بررودی

نشانی:
بزرگراه چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده‌ی
معارف اسلامی و اقتصاد، نشریه‌ی دانشجویان اقتصاد

پست الکترونیک: sadrjournal@gmail.com

«صدر» در ویرایش مطالب آزاد است.
مطالب چاپ شده در «صدر» صرفاً بیان‌گر دیدگاه نویسندگان آن‌ها است.
استفاده از مطالب «صدر» با ذکر منبع بلامانع است.

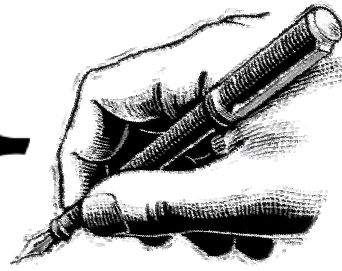
صدر، نشریه‌ی همه‌ی دانشجویان اقتصاد است.

ما بر آنیم با انتشار صدر، اولاً دریچه‌هایی برای دانشجویان اقتصاد باز کنیم تا با موضوعات مختلف اقتصادی ارتباط برقرار کنند و آشنایی مختصری بیابند؛ ثانیاً زمینه‌ای را فراهم کرده باشیم که دانشجویان اقتصاد به تکاپو افتند و از خمودگی‌ها و روزمرگی‌های روزانه خارج شوند؛ ثالثاً بستری برای بروز استعدادها و توانمندی‌های همه‌ی دانشجویان در رابطه با نوشتن مطالب در حوزه‌ی مسایل اقتصادی، فراهم کرده باشیم.

مخاطبین ما در صدر، تنها دانشجویان اقتصاد نیستند، بلکه رویکرد ما به گونه‌ای است که همه‌ی دانشجویان دانشگاه بتوانند از مطالب صدر بهره ببرند.

صدر، دست همکاری شما را به گرمی می‌فشارد و این را در این چند شماره ثابت کرده است.

صدر سعی می‌کند با گسترش و توسعه‌ی فعالیت‌هایش در مراحل بعدی رشد خود، گام‌های استوارتری هم در راستای تولید علم بومی و هم در جهت نیازها و مطالبات صنفی دانشجویان بردارد.



حرف اول ...

۱. سلام علیکم؛

۲. شماره‌ی سوم «صدر» هم به امید خدا منتشر شد. از شماره‌ی اسفند تا این شماره، زمان زیادی می‌گذرد و این برای بعضی از شما خیلی طول کشید. خیلی از شما از صدر سراغ گرفتید، و البته غرهای خود را هم زدید. تأخیر در چاپ شماره سوم را توجیه نمی‌کنم ولی توضیحی می‌دهم تا موقعیت ما را درک کرده باشید. هفده روز اول فروردین، تعطیل بود و ما عملاً به بچه‌ها دسترسی نداشتیم و امکان جمع‌آوری مطالب وجود نداشت. بلافاصله بعد از تعطیلات، جلسه‌ی هیأت تحریریه را گذاشتیم ولی به علت نزدیکی امتحانات میان ترم، قرار گذاشتیم شماره‌ی فروردین و اردیبهشت را با هم منتشر کنیم. بعد از امتحانات میان ترم هم به طور جدی دنبال کار را گرفتیم تا این که توانستیم این شماره را منتشر کنیم. سعی می‌کنیم شماره‌ی خردادماه را کمی زودتر به دست شما برسانیم.

۳. همان‌طور که در سرمقاله‌ی شماره‌ی قبلی قول دادیم، در این شماره هم قسمت‌های جدیدی به مطالب نشریه اضافه شده است. علاوه بر بخش «اقتصاد برای همه» که اولین بار در شماره‌ی قبل منتشر شد، در این شماره، یک صفحه کاریکاتور اقتصادی و یک مقاله هم به زبان انگلیسی داریم. هنوز هم طرح‌های جدیدی داریم که در شماره‌های آینده خواهید دید. شما هم طرح‌های ابتکاری خود را برای بهبود نشریه خودتان، با ما درمیان بگذارید.

۴. علاوه بر تازه‌های فوق، از این به بعد یک بخش ویژه با عنوان «میزگرد مکتوب» داریم که همکاری شما را می‌طلبد. در این بخش یک مسأله‌ی روز اقتصادی مطرح می‌شود و شما مطالب و نکات تحلیلی و کارشناسی خود را درباره‌ی این مسأله

برای ما می‌فرستید. ما مطالب رسیده را جمع‌بندی کرده و در شماره‌ی بعد چاپ خواهیم کرد. این کار علاوه بر این که باعث ایجاد نشاط علمی می‌شود، ما را نیز در تهیه‌ی مطالب صدر کمک می‌کند. موضوع این شماره در صفحه‌ی ۲۳ آمده است. شما می‌توانید مطالب خود را به یکی از طرق زیر برای ما بفرستید:

- به نشانی پستی sadrjournal@gmail.com ایمیل کنید.
- به صورت مکتوب به اتاق ۹۳۲۵ تحویل دهید.
- به شماره ۰۹۳۵۲۵۸۴۲۱۳ پیام کوتاه بفرستید.

۵. در این شماره، بر خلاف روال قبلی و میل باطنی، مصاحبه نداریم. در ابتدا می‌خواستیم با دکتر شاهرودی مصاحبه کنیم ولی ایشان به شدت از مصاحبه امتناع کردند و همان اول کار، جواب رد دادند. بعد تصمیم بر آن شد که با دکتر منظور مصاحبه کنیم که متأسفانه دو سه روز قبل از مصاحبه مطلع شدیم ایشان به کانادا رفته‌اند. ضیق وقت مانع از آن شد که با کس دیگری مصاحبه کنیم و خلاصه ما ماندیم و...

۶. در شماره‌ی پیش، اشتباهی در ترجمه‌ی انگلیسی اصطلاح «بیماری هلندی» رخ داده بود که بدینوسیله از شما عذرخواهی می‌کنم. معادل انگلیسی صحیح آن، «Dutch Disease» است.

۷. منتظر انتقادات و پیشنهادهای سازنده‌ی شما هستیم.

۸. بیش از این عرضی نیست، تا شماره‌ی بعد خدا نگهدار.

سردبیر



سال تحرک اقتصادی

اشاره: آنچه در پی می‌آید، بخشی از سخنان رهبر معظم انقلاب است که در اول فروردین‌ماه سال جاری در حرم امام رضا (ع) ایراد فرمودند، می‌باشد. با توجه به تأکیدی که ایشان بر لزوم توسعه اقتصادی داشتند، آوردن این قسمت از سخنان ایشان را خالی از لطف ندیدیم.

... جنگ اقتصادی هم یکی دیگر است. می‌خواهند ملت ایران را از لحاظ مسائل اقتصادی در تنگنا قرار دهند. من عرض می‌کنم میدان برای تحرک اقتصادی ملت ایران باز است. با سیاستهای اصل ۴۴ که ابلاغ شد و دولت هم مجدانه دنبال این است که اینها را تحقق ببخشد و باید هم دنبال کند، میدان کار اقتصادی باز است؛ نه فقط برای افرادی که ثروتمندند، حتی برای آحاد مردم.

سال ۸۶ و شاید تا یکی دو سال بعد رویکرد دولت و رویکرد فعالان کشور باید رویکرد اقتصادی باشد. ما می‌توانیم اقتصاد خودمان را شکوفا کنیم.

تهدید می‌کنند که تحریم می‌کنیم. تحریم نمی‌تواند به ما ضربه‌ای بزند. مگر تا حالا تحریم نکرده‌اند؟ ما در حال تحریم به انرژی هسته‌ای رسیده‌ایم؛ ما در حال تحریم به پیشرفتهای علمی رسیده‌ایم؛ ما در حال تحریم به این سازندگی‌های وسیع در کشور رسیده‌ایم. تحریم در شرائطی حتی ممکن است به نفع ما تمام شود؛ از این جهت که همت ما را برای تلاش و فعالیت بیشتر کند.

رویکرد کشور در سالی که امروز اول آن است، و حتی یکی دو سال بعد، باید رویکرد اقتصادی باشد. از سیاستهای اصل ۴۴ همه باید استفاده کنند. کسانی که توانایی سرمایه‌گذاری دارند، حتی افرادی که می‌توانند سرمایه‌گذاری را با اجتماع و شرکت انجام دهند، این‌ها راه دارد. آحاد مردم و صنوف مختلف مردم می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند؛ می‌توانند در این راه با یکدیگر شریک شوند و سهیم باشند. علاوه بر سهام عدالتی که تقریباً ده میلیون نفر را شامل می‌شود - که مال دو دهک پائین جامعه است - بقیه‌ی آحاد مردم هم می‌توانند از این سیاستها استفاده کنند؛ راه دارد.

مسئولین دولتی باید راه‌های مشارکت مردم را در فعالیتهای اقتصادی به آنها بگویند. این سیاستها به معنای

تولید ثروت عمومی برای جامعه است. تولید ثروت از نظر اسلامی بی‌مانع است. تولید ثروت با غارت ثروت دیگران فرق دارد. یک وقت کسی به اموال عمومی دست‌درآزی می‌کند، یک وقت کسی بی‌قانون و بدون پیروی از قانون به دستاوردهای مادی می‌رسد؛ اینها ممنوع است؛ اما از طریق قانونی، تولید ثروت از نظر شارع مقدس و از نظر اسلام، مطلوب و مستحسن است. ثروت را تولید کنند، منتها در کنارش اسراف نباشد. اسلام به ما می‌گوید ثروت تولید کنید، اما اسراف نکنید. مصرف‌گرایی افراطی مورد قبول اسلام نیست. آنچه که از تولید ثروت به دست می‌آورد، باز همان را وسیله‌ای برای تولید ثروت دیگر بکنید.

مال را نه به صورت راکد و نازا در بیاورید - که در اسلام اسمش کنز کردن است - نه به صورت ولخرجی و ولنگاری در مصرف مال، آن را صرف در چیزهای غیر لازم زندگی کنید؛ اما با توجه به اینها، ثروت را برای خودتان تولید کنید. ثروت آحاد مردم، ثروت عموم کشور است؛ همه از آن سود می‌برند. روح اصل ۴۴ و سیاستهای اصل ۴۴ این است. طوری بشود که منابع درآمدی آحاد مردم، بخصوص طبقات ضعیف، متنوع شود؛ مردم بتوانند گشایشی پیدا کنند؛ این یک گام بلند در راه رفاه عمومی است...

آیا گرفتن نرخ تورم در قرض ربا است؟

سید علی

۳. وجود تورم بالا (بالای هشت درصد) و کاهش شدید ارزش پول
 * در حالت اول کاهش ارزش پول به گونه‌ای است که عرف عام و عقلا در مقابل آن هیچ گونه واکنش محسوسی از خود نشان نمی‌دهند گو اینکه چنین اتفاقی نیافتاده است. در این حالت در نظر گرفتن نرخ تورم در معاملات و جبران کاهش ارزش پول حرام و از مصادیق ربا به نظر می‌رسد. چرا که از نظر عرف تغییری در سطح قیمت‌ها رخ نداده است.
 * در حالت دوم مقدار کاهش ارزش پول به گونه‌ای است که نوع واکنش عرف عام در مواجهه با آن قابل تشخیص نمی‌باشد. در این حالت به نظر می‌رسد جبران کاهش ارزش پول جایز نبوده و طریق احتیاط آن است که قرض گیرنده و قرض دهنده بر سر نرخ تورم با هم مصالحه نمایند.
 * در حالت سوم کاهش ارزش پول شدید می‌باشد و عرف در مقابل آن واکنش نشان می‌دهند (مثل اقتصاد ایران). در این حالت به دلایل زیر به نظر می‌رسد که جبران نمودن کاهش ارزش پول از منظر عقلی، اخلاقی و شرعی واجب باشد:

ادامه در صفحه ۱۰

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ * فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتِغُوا فَلَئِنَّكُمْ رُءُوسُ أُمُومِكُمْ لَا تَضْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ.^۱
 ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید، و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است، واگذارید و اگر چنین نکردید، به جنگ با خدا و فرستاده وی برخاسته‌اید، و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما از خودتان است. نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید.
 همان طور که می‌دانیم یکی از گناهان بزرگ مربوط به ربا و ربا خواری می‌باشد. که این گناه نه تنها عذاب الهی را به همراه دارد بلکه باعث به وجود آمدن مشکلات زیادی در جامعه‌ی مسلمانان می‌گردد. در بیان میزان قبح این گناه به آیات مذکور، و یک حدیث کفایت می‌کنیم:
 امام صادق (علیه السلام) فرموده است:
 درهم ربا أعظم عند الله من سبعین زنيّةً كلّها بذات محرم فی بیت الله الحرام.^۲
 یک درهم ربا، از هفتاد مرتبه زنا با محارم در خانه خدا بدتر است.

در این تحقیق ما قصد داریم که به بررسی بحث تورم در قرض بپردازیم. در توضیح این مطلب می‌توان گفت که از ویژگی‌های بارز اقتصاد قرن اخیر وجود نرخ‌های تورم (بعضاً دو رقمی) می‌باشد. که این موجب پایین آمدن ارزش واقعی پول (real value) یا قدرت خرید (purchasing power) و پدیدار شدن مشکلات حقوقی و اقتصادی می‌گردد. مثلاً فردی که هزار تومان سه ساله قرض داده وقتی بعد از سه سال، پول خود را دریافت می‌کند متوجه می‌گردد که دیگر با این پول، آن مقدار از اجناس را که در سه سال قبل می‌توانست بخرد، نمی‌تواند بخرد و به عبارتی قدرت خریدش کم شده است.
 در بررسی این بحث سه حالت قابل تصور می‌باشد.
 ۱. وجود تورم پایین (زیر سه درصد) و کاهش خفیف ارزش پول
 ۲. وجود تورم متوسط (بین سه تا هشت درصد) و کاهش متوسط ارزش پول





نگاهی بر روند تبیین سیاست‌های کلی اصل ۴۴

مهدی ایثاری نیا

مقدمه

بیان آزادی انتخاب شغل، تصریح می‌شود که دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد کند. در زمینه تأمین اجتماعی نیز وظیفه گسترده‌ای بر عهده دولت گذاشته شده است، به طوری که قانون اساسی با هیچ یک از کشورهای استبدادی و سرمایه داری صنعتی شبیه و نظیر نیست. در اصل ۲۹ آمده است برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح به صورت خدمات بهداشتی و مراقبتی‌های پزشکی، به شکل بیمه و غیره، حقی است همگانی و دولت موظف است از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای افراد کشور تأمین کند.

اصل ۴۴ قانون اساسی، علاوه بر تعیین حدود مالکیت، فعالیت و دخالت بخشهای سه گانه دولتی، خصوصی و تعاونی در اقتصاد کشور، بخش خصوصی را مکمل بخشهای دولتی و تعاونی تعریف می‌کند.

مقدمه بحث تدوین سیاست‌های کلی در مورد اصل ۴۴ قانون اساسی یک مسئله کلیدی در اقتصاد ایران است که در محافل کارشناسی دیدگاه‌های گوناگونی در مورد آن مطرح است. گزارش حاضر نگاهی به این موضوع دارد. اصل ۴۴ قانون اساسی، علاوه بر تعیین حدود مالکیت، فعالیت و دخالت بخشهای سه گانه دولتی، خصوصی و تعاونی در اقتصاد کشور، بخش خصوصی را مکمل بخشهای دولتی و تعاونی تعریف می‌کند؛ اما بروز برخی مشکلات در روند خصوصی سازی به خصوص در سالهای اخیر مقامات جمهوری اسلامی را به اصلاح اصل ۴۴ قانون اساسی واداشته است تا تعریفی تازه از حیطه تصدی اقتصادی دولت ارائه دهند که حدود ۸۰ درصد اقتصاد ایران را تحت کنترل دارد. اقدام اخیر مجمع تشخیص مصلحت نظام برای مشخص ساختن راهبردهای اقتصادی ایران در پی نامه مقام معظم رهبری به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز به منظور تحقق همین هدف صورت گرفت.

حدود اختیارات و وظایف اقتصادی دولت در قانون اساسی

در زمینه اقتصادی نخستین امری که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته، نفی هرگونه ستمگری و ستمکشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، همچنین ایجاد قسط و عدل، استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی است. (اصل ۲، بند ج) یکی از مسئولیتهای بسیار سنگین و پرهزینه‌ای که تا کنون قانون اساسی بر عهده دولت گذاشته است، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی است. (اصل ۳، بند ۳)

در همین اصل در بند ۴ وظایف اقتصادی - اجتماعی همچون تأسیس مراکز تحقیق و تقویت روح، بررسی و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی و فرهنگی را مطرح می‌کند. در بند ۱۲، اصل ۳ برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه را از وظایف دولت می‌داند. یکی دیگر از وظایف دولت در ارتباط با اقتصاد ایجاد اشتغال برای اقشار مختلف مردم است. به طوری که در اصل ۱۲۸ ضمن

اصل ۴۴ قانون اساسی

«نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و



تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات میشود که مکمل فعالیتهای اقتصادی دولتی و تعاونی است.

مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند».

قبل از ورود به بحث چند نکته را در اینجا با استناد به نص قانون متذکر می‌شویم :

اولاً در این اصل آنجا که حوزه فعالیت بخش دولتی را عنوان می‌کند با عبارت «و مانند اینها» زمینه را برای افزایش حجم بخش دولتی به مقتضای ضرورت تاریخی باز می‌کند. ثانیاً در این اصل ضمن آن که اقتصاد بخش خصوصی را از نظر ترتیبی در پایین‌ترین مرحله قرار می‌دهد، لیکن آن را به عنوان مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی معرفی می‌نماید. بنابراین چنین استنتاج می‌شود که روح قانون اساسی از حاکمیت و برتری اقتصاد بخش خصوصی بی‌مناک است و محدوده فعالیت آن را زمینه‌هایی که بخش دولتی و تعاونی اهلیت فعالیت ندارند تعیین کرده است. ثالثاً: این اصل یک وظیفه حساس برای قوه مقننه وضع کرده است (تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر ۳ بخش را قانون

معین می‌کند) که متأسفانه علی‌رغم ضرورت آن، هنوز از جانب قوه مقننه اقدام قاطعی در این زمینه انجام نگرفته است و حدود مشخص و روشن قلمرو اقتصاد بخش عمومی، تعاونی و خصوصی مشخص نشده است. به طوری که به جرأت می‌توان گفت بسیاری از نابسامانیهای اقتصادی کشور مربوط به همین امر است.

به این ترتیب موضوعاتی که تا کنون می‌توانند در مورد اصل ۴۴ قانون اساسی مطرح باشند، عبارتند از :
 - تعیین دقیق حدود و ضوابط فعالیت ۳ بخش دولتی، تعاونی و خصوصی و نحوه تعامل این ۳ بخش.
 - تعیین نوع نظام و سیستم اقتصادی که در

آن ۳ بخش مذکور می‌توانند به نحوی کارآ و سالم فعالیت داشته باشند به گونه‌ای که هم با اصول کارآیی و بهره‌وری اقتصادی و هم با اصول قانون اساسی منطبق باشند.

- تعیین نوع نگرش قانون اساسی به خصوصی سازی و بخش خصوصی و راهکارهای وصول به خصوصی شدن بخشهای مورد تأیید قانون اساسی (نقد و ارزیابی مکانیسم های فعلی خصوصی سازی در کشور)

بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی، اقتصاد ایران به سه بخش

دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم شده اما بخش خصوصی تنها به عنوان مکمل دو بخش دیگر در نظر گرفته شده است.

در مقابل بخش دولتی از گستره بی حد و حصری برخوردار است و حوزه وسیعی را از صنایع مادر، معادن، بانکداری و بیمه گرفته تا تامین نیرو، سد ها، پست و تلگراف و تلفن و حمل و نقل (هواپیمایی، کشتیرانی و راه آهن) در بر می‌گیرد.

تلاش دولت در سال های گذشته به خصوص برنامه سوم توسعه برای واگذاری بخش های از بانکداری، بیمه، تلفن، هواپیمایی با مانع مواجه شد و شورای نگهبان به دلیل مغایرت با اصل ۴۴ قانون اساسی با آن مخالفت کرده است.

در این اصل آمده است که «مالکیت در سه بخش (دولتی، تعاونی و خصوصی) تا جایی که با اصول دیگر قانون اساسی مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلامی خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.»

نگاهی بر مشروح مذاکرات خبرگان قانون اساسی در مورد اصل ۴۴ و آگاهی از وضعیت اقتصادی کشور در آن زمان می‌تواند نتایج قابل تاملی به همراه داشته باشد چرا که زمانی که مجمع تشخیص مصلحت نظام اصل ۴۴ را نه بازنگری و تبیین بلکه محدوده ای را که در ذیل آن آمده بود تعیین کرد، ۲۵ سال از عمر تصویب آن توسط خبرگان قانون اساسی گذشته بود و در این ۲۵ سال مدار اقتصاد ایران را این اصل ترسیم کرده بود. در این ربع قرن، بویژه در طول ۱۰ سال گذشته، انتقادهای بسیار زیادی به اصل ۴۴ شده بود بدون آنکه به شرایط ذهنی و عینی زمان تدوین این اصل نگاهی انداخته شود. لذا پرداختن به این نکته که اصل ۴۴ چگونه تدوین و تصویب شد از ضروری ترین نکاتی است که به نظر می‌رسد باید به آن پرداخت.

دستور مقام معظم رهبری در بهمن ماه ۱۳۸۲ (راهبردهای ۴گانه)

مقام معظم رهبری در نامه خویش به مجمع تشخیص مصلحت نظام به صراحت اعلام فرمودند:

۱- دولت از هر آن چیزی که خارج از اصل ۴۴ است و مشغول به آن شده و دارد فعالیت می‌کند، خارج شود و هیچ گاه وارد فعالیتهای اقتصادی نشود که خارج از اصل ۴۴ است.

۲- مردم چه در شکل تعاونی، عمومی و خصوصی که می‌توانند در فعالیتهایی که دولت تاکنون داشته و در اصل ۴۴ ذکر شده وارد شوند.

۳- موانع تعاونی ها را بررسی و سعی کنید سیاستهایی را پیشنهاد کنید که تعاونی‌ها در ایران توسعه بیشتری پیدا کنند

۴- باید سعی کنید در همه شرایط حاکمیت دولت نقض نشود و دولت بتواند حاکمیت و نظارت خود را در اقتصاد داشته باشد. آنچه از نامه مقام معظم رهبری به مجمع تشخیص استفاده می‌شود استخراج چهار راهبرد به شرح ذیل است.

راهبرد ۱: ورود دولت به فعالیتهای اقتصادی خارج از اصل ۴۴ ممنوع است.

راهبرد ۲: ورود مردم به هر سه بخش از فعالیتهای اقتصادی (حتی موارد اصل ۴۴) مجاز است.

تلاش دولت در سال های گذشته به خصوص برنامه سوم توسعه برای واگذاری بخش های از بانکداری، بیمه، تلفن، هواپیمایی با مانع مواجه شد و شورای نگهبان به دلیل مغایرت با اصل ۴۴ قانون اساسی با آن مخالفت کرده است.

۷- رفع محدودیت از حضور تعاونی‌ها در تمامی عرصه‌های اقتصادی از جمله بخش خدمات .

۹- اعمال نقش حاکمیت دولت در امور تعاونی‌ها در قالب سیاست‌گذاری، نظارت به اجرای قوانین موضوعه، حمایت از تعاونی‌ها متناسب با تعداد اعضای آن و پرهیز از مداخله در امور اجرایی و مدیریتی تعاونی‌ها .

۱۰- برخورداری تعاونی‌ها از کلیه حمایت‌ها و امتیازهای بخش خصوصی و لغو هر گونه دریافت تبعیض آمیز از آنها .

۱۱- حمایت از تشکیل و توسعه تعاونی‌ها با وضع مقررات مناسب و تسهیل دسترسی آنها به منابع سرمایه‌گذاری و پرهیز از هرگونه دریافت اضافی دولت از تعاونی‌ها نسبت به بخش خصوصی .

۶۵ درصد بانک‌های دولتی به استثنای بانک مرکزی و بانک‌های ملی، صنعت و معدن، کشاورزی، مسکن، توسعه صادرات، سپه و همچنین شرکت‌های بیمه تجاری به استثنای بیمه مرکزی به بخش خصوصی واگذار خواهد شد.

تصمیم اخیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در ترسیم سیاست‌های کلی اقتصاد کشور در قالب اصل ۴۴ قانون اساسی از چند حیث قابل نقد و توجه است:

۱- تصویب بندهای یک و دو سیاست‌های کلی در واقع این پیام را با خود به همراه داشت که دولت علاوه بر خروج از کلیه فعالیت‌های غیرمدرج در اصل ۴۴ اجازه خواهد داد تا بخش خصوصی و تعاونی در بخش‌های منحصر به دولت مستند به اصل یاد شده هم سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی داشته باشد،

هم مدیریت کند و هم مالکیت آن را در اختیار بگیرد. بدین ترتیب ترکیب و ساختار اقتصادی کشور به نفع بخش خصوصی و تا حدی بخش تعاونی تغییر و اصلاح خواهد شد. اولاً براساس تصمیم مجمع، خروج دولت از فعالیت‌های خارج از شمول اصل ۴۴ تام و مطلق نبوده و در صورت ضرورت با پیشنهاد هیئت وزیران و تصویب مجلس البته با قید «زمان معین» دولت می‌تواند فعالیت، مدیریت و حتی مالکیت پیدا کند و ضرورت آن هنگامی احساس خواهد شد که شرایط خاص و حاد اقتصادی و سیاسی و اجتماعی پدید آید و یا احتمال انحصار بخش غیردولتی به وجود بیاید و یا اینکه الزامات بخش‌های خصوصی و دولتی تمایلی به حضور و فعالیت و سرمایه‌گذاری نداشته باشند.

۲- درباب بند دوم سیاست‌های کلی درباره اصل ۴۴ باید گفت حق فعالیت، سرمایه‌گذاری، مدیریت و مالکیت هم به بخش خصوصی داده شده و هم به بخش تعاونی و از سوی دیگر بسیاری از این فعالیت‌ها و امور به دنبال تغییر مولفه‌های حاکمیتی در جهان امروز، بار حاکمیتی خود را از دست داده‌اند و صرفاً کارکرد

راهبرد ۳: توسعه تعاونی‌ها و رفع موانع آن در ایران راهبرد ۴: در هر شرایطی دولت حاکم و ناظر بر اقتصاد است.

مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در راستای وظیفه قانونی خود به تبیین سیاست‌های کلی نظام در مورد اصل ۴۴ قانون اساسی پرداخت که بر اساس مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام؛

۶۵ درصد بانک‌های دولتی به استثنای بانک مرکزی و بانک‌های ملی، صنعت و معدن، کشاورزی، مسکن، توسعه صادرات، سپه و همچنین شرکت‌های بیمه تجاری به استثنای بیمه مرکزی به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. به این ترتیب دولت تنها مجاز خواهد بود بخشی از بانک‌های صادرات، تجارت، رفاه کارگران، ملت و بیمه‌های البرز، ایران، دانا و آسیا را واگذار کند.

مجمع تشخیص مصلحت نظام همچنین واگذاری شرکت‌های پستی و مخابراتی به استثنای شبکه‌های مخابراتی مادر، امور فرکانس و شبکه‌های اصلی تجزیه و مبادلات و مدیریت توزیع خدمات پایه پستی را به بخش خصوصی مجاز اعلام کرده است. با این مصوبه، ۶۵ درصد از سهام شرکت‌های هواپیمایی و کشتیرانی دولتی به استثنای هواپیمایی کشوری و سازمان بنادر و کشتیرانی به بخش خصوصی واگذار می‌شود.

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در بخش تعاون

۱- انعطاف و تنوع در شیوه‌های افزایش سرمایه و توزیع سهام در بخش تعاونی و اتخاذ تدابیر لازم به نحوی که علاوه بر تعاونی‌های متعارف، امکان تاسیس تعاونی‌های جدید در قالب شرکت سهامی عام با محدودیت مالکیت هر یک از سهامداران به سقف معینی که حدود آن را قانون تعیین می‌کند، فراهم گردد .

۲- افزایش موثر سهم تعاونی‌ها در اقتصاد .

۳- ایجاد زمینه و تامین شرایط و امکانات اشتغال برای نیروی کار کشور که فاقد سرمایه کافی هستند .

۴- کمک به استقرار عدالت اجتماعی از طریق گسترش مالکیت و فعالیت عامه مردم در امور اقتصادی و جلوگیری از تداول ثروت در دست عده‌ای خاص .

۵- مبارزه بنیادی با فقر و تبعیض از طریق تسهیل دسترسی همگان برای ایجاد یا حفظ و بهبود اشتغال.

۶- ارتقاء رقابت‌پذیری بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط.



۱. پول‌های اعتباری مثل اسکناس در قدرت خرید و ارزش مبادله‌ای حقیقی، مثلی (در مقابل قیمی) می‌باشند و میزان قدرت خریدی که با آن پول وجود دارد، صفت ذاتی آن پول به شمار می‌رود، چرا که اگر این صفت از اسکناس حذف گردد دیگر به کاغذ پاره‌ای بی‌ارزش تبدیل می‌گردد. پس در موقع باز پرداخت قرض هم، باید مثل همان پول یعنی همان مقدار قدرت خرید را باز گرداند نه ارزش اسمی را.

بنابراین هنگام ادای دین باید همسانی در قدرت خرید را ملاحظه کرد. نه فقط ارزش اسمی (nominal value) آن را.

۲. ادای دین امری عرفی می‌باشد. در جو تومی شدید باید دید که عرف چه چیزی را ادای دین می‌داند. اگر کاهش ارزش پول شدید باشد، به یقین عرف، وقتی مدیون را بری‌الذمه می‌داند که ارزش حقیقی پول را به دائن بپردازد نه ارزش اسمی آن را.

۳. لزوم رعایت قاعده‌ی عدل و قسط و عدم ظلم (که مورد تأیید عرف، عقل، اجماع، و آیات قرآن می‌باشد) اقتضا دارد که در چنین حالتی یعنی کاهش شدید ارزش پول، قدرت خرید پول در نظر گرفته شود و الا به یکی از طرفین ظلم شده است.

با بیان یک نکته این بحث را به پایان می‌بریم و آن این است که با توجه به تفاوت‌های اساسی بین پول‌های اعتباری امروزی با درهم و دینار عصر ائمه و همچنین با توجه به تفاوت میزان کاهش شدید ارزش پول‌های امروزی با کاهش اندک ارزش درهم و دینار صدر اسلام و تفاوت‌های دیگر، مشکل است از احکام صادر شده برای تغییرات درهم و دینار، حکم عدم جواز جبران کاهش ارزش پول اعتباری امروزی را استنباط نمود.

در پایان برای کامل‌تر شدن بحث نظر چند تن از صاحب‌نظران را در این مورد بیان می‌داریم.

از میان فقها: آیت الله خامنه‌ای، آیت الله جوادی تبریزی، آیت الله سیستانی، آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله سید کاظم حائری به عدم جواز جبران کاهش ارزش حقیقی پول در شرایط تورمی اشاره دارند، و در مقابل آیت الله موسوی اردبیلی، آیت الله بهجت^۴، آیت الله صانعی، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله مشکینی، آیت الله مهدوی کنی، حجه الاسلام مصباحی مقدم و آیت الله منتظری، به جواز (و بعضاً وجوب) جبران کاهش ارزش حقیقی پول در شرایط تورمی شدید اشاره دارند.^۵

انتقادات و مطالب خود را به نشانی پستی زیر بفرستید:

meisami@isu.ac.ir

و آخر دعوینا الحمد لله رب العالمین.

۱. بقره، آیه ۲۷۸ و ۲۷۹.
۲. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۲۳.
۳. رک: سید محسن حکیم: نهج الفقاهه، ج ۱، ص ۱۳۹.
۴. ایشان می‌فرمایند: احتیاط واجب در زمان کاهش شدید سطح قیمت ها مصالحه است.
۵. برای یافتن مباحث کامل تر و دقیق تر به کتاب ربا و تورم - احمد علی یوسفی - پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی مراجعه کنید.

تصدی‌گری آنها باقی است که دولت باید با حفظ اقتدار حاکمیت و نظارت خویش عرصه را برای حضور سرمایه‌های بخش خصوصی و تعاونی در راستای «مشارکت هر چه بیشتر شهروندان در تعیین سرنوشت خویش» فراهم سازد.

۳- ترسیم سیاست‌های کلی اقتصاد تعاونی و تأکید بر افزایش سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام امیدوارکننده به نظر می‌رسد از جمله انعطاف‌پذیری و تنوع بخشیدن در شیوه‌های افزایش سرمایه‌ها و توزیع سهام در بخش تعاونی، امکان تأسیس تعاونی‌های جدید حتی در قالب شرکت سهامی عام با محدودیت مالکیت، رفع محدودیت از حضور تعاونی‌ها در تمامی عرصه‌ها و اعمال نقش حاکمیت دولت در امور تعاونی‌ها و پرهیز از مداخله در امور اجرایی آنها و نیز بهره‌مند شدن تعاونی‌ها از کلیه حمایتها و امتیازهای بخش خصوصی و لغو هرگونه دریافت تبعیض‌آمیز از آنها.

۴- مبهم بودن پاره‌ای از سیاست‌های کلی در بخش تعاونی از جمله اینکه «افزایش موثر سهم تعاونی‌ها در اقتصاد» براساس کدام سازوکار صورت می‌گیرد و آیا نگاه بخشی بر این سیاست حاکم می‌شود یا اینکه در چرخه گذر از اقتصاد دولتی به اقتصاد غیردولتی با وضع پاره‌ای از قوانین موضوعه این سهم به شکل صوری و دستوری افزایش می‌یابد یا اینکه این افزایش نقش و سهم تعاونی‌ها واقعی و پایدار خواهد بود. دیگر اینکه آیا اهداف راهبردهایی چون «ایجاد زمینه و تأمین شرایط و امکانات اشتغال برای نیروی کار فاقد سرمایه» فقط به عنوان تکلیف بخش تعاونی است یا جزو اختیارات آن خواهد بود؟

و یا آرم‌ان «مبارزه با فقر و تبعیض از طریق تسهیل دسترسی همگان برای ایجاد یا حفظ و بهبود اشتغال» آیا ماهیت اقتصاد بخش تعاونی را در رقابت با اقتصاد بخش خصوصی دستخوش تغییر نمی‌کند؟ آیا دولت می‌خواهد وظیفه خویش در مقابله با فقر و تبعیض را در قالب اقتصاد تعاونی پیاده کند که این خود نقض غرض و دخالت در تعاونی‌هاست یا اینکه تعاونی‌ها هم می‌توانند در کارکرد اقتصادی خویش امکان جذب و حضور سرمایه‌های اندک اقشار مردم را پدید آورند و آنها را در سرنوشت خویش سهیم سازند؟

سرانجام اینکه گسترش مالکیت و فعالیت عامه مردم در امور اقتصادی و جلوگیری از تداول ثروت در دست عده‌ای خاص در راستای کمک به عدالت اجتماعی از جمله مهمترین و جدی‌ترین سیاست‌های اقتصادی بخش تعاونی‌هاست و ضرورت دگرگونی ساختاری تعاونی‌های موجود، اصلاح نظام مدیریت و بودجه آنها، امکان حضور همگان و دسترسی یکسان و آشکار به برنامه‌ها، اهداف و سیاستها را طلب می‌کند. تحقق این بخش از سیاست‌های کلی نظام در اقتصاد تعاونی باید به گونه‌ای باشد که باعث ایجاد امتیازات رانت‌جویانه و یا حذف دیگران نشود.

اصلی‌ترین وظیفه مجمع تشخیص مصلحت نظام ترسیم سیاست‌های کلی در باب اصل ۴۴ در خصوص چگونگی نظارت و حاکمیت دولت و جلوگیری از پیامدهای احتمالی نظیر شکل‌گیری انحصارات جدید، شکاف طبقاتی، فرار سرمایه‌ها و ... است.

اقتصاد اسرائیل پس از جنگ سی و سه روزه

▪ حمید رضا آخوندزاده
▪ مهدی ایناری نیا



ششمین هجوم گسترده زمینی، هوایی و دریایی از سوی رژیم صهیونیستی به خاک لبنان در دوازدهم جولای سال ۲۰۰۶ به بهانه اسارت دو نظامی اسرائیلی به وسیله حزب الله انجام شد، که همچون تجاوزات گذشته نتیجه‌ای برای این رژیم نداشت. در این مقاله، ضمن مروری بر تاریخ اقتصاد اسرائیل، به بررسی پیامدهای اقتصادی این جنگ سی و سه روزه برای اسرائیل می‌پردازیم.

تحول تاریخی اقتصاد اسرائیل:

تاریخ اقتصاد رژیم اسرائیل از سال ۱۹۴۸، معمولاً در چهار مرحله بررسی می‌شود:

الف) دوران تأسیس (۱۹۵۴ - ۱۹۴۸):

رژیم صهیونیستی در ابتدا سه امر را مورد اهتمام قرار داد:

اول، تأسیس ارتش جدید که قادر به استفاده از سلاح پیشرفته بوده و آماده نبرد باشد. بدین جهت، هزینه‌های نظامی در اولویت قرار گرفت. دوم، جذب مهاجران جدید که در سال ۱۹۴۸، حدود ۱۰۰ هزار مهاجر به فلسطین روی آوردند و در سال ۱۹۴۹، این رقم دو برابر شد. سوم، تأسیس سازمانهای نوین حکومتی، از جمله مراکز خدماتی، بانک مرکزی، بیمه، رادیو و ... بود. دولت همچنین به ملی کردن منافع و فعالیتهای اقتصادی مبادرت ورزید و بیشترین توجه به بخش کشاورزی و منابع آبی معطوف شد.

ب) دوران رشد سریع (۱۹۷۲ - ۱۹۵۴):

در این دوران، سرمایه‌گذاریهای خارجی به رژیم اسرائیل سرازیر شد و با افزایش نیروی انسانی که نتیجه مهاجرتهای انبوه بود، فعالیتهای اقتصادی رونق بسیاری یافت و میانگین تولید سرانه ملی از ۲ به ۱۷ درصد افزایش یافت و میانگین مصرف فردی به ۹ درصد رسید.

در این دوره، کلیه زمینهای زراعی مورد استفاده قرار گرفت و صنعت، محور کار اقتصادی شد. بخش خدمات و ساختمان نیز رشد قابل توجهی یافت و نظارت دولت در فعالیتهای اقتصادی و تأمین بودجه، فزونی گرفت، به طوری که سهم دولت در سال ۱۹۵۰ از ۲۳ درصد به ۳۸ درصد در سال ۱۹۶۰ و ۶۵ درصد در سال ۱۹۷۰ افزایش یافت.

به سبب فقدان انباشته و ذخیره سرمایه ملی، دریافت غرامتهای پرداختی از آلمان و کمکهای یهودیان به این کشور، نقش عمده‌ای در پیشرفت اقتصاد این کشور داشته است.

ج) دوران تورم و رکود (۱۹۸۵ - ۱۹۷۳):

پس از جنگ ۱۹۷۳، اقتصاد اسرائیل دچار رکود شد و رشد اقتصادی در برخی از سالها به صفر رسید و در مجموع، از ۳ درصد تجاوز نکرد. در همین حال، معادله پرداختهای بازرگانی (تجاری) و بودجه دولت، شاهد سیر نزولی شد.

عوامل این رکود، متعدد است، اما هزینه‌های جنگ سال ۱۹۷۳

و نیز بالا رفتن ناگهانی بهای نفت، دو عامل اصلی این مسئله بودند. از آنجایی که ۳۰ درصد از تولید ناخالص ملی اسرائیل به هزینه‌های نظامی اختصاص یافته بود، با افزایش بهای نفت، قیمت و ارزش انرژی در این کشور بسیار بالا رفت. همچنین از یک سو، رشد صنعتی و تولید کالاهای جایگزین کالاهای خارجی به پایان رسیده بود و از سوی دیگر، این رژیم امکان صادرات کالا و یافتن بازارهای جدید را نداشت. بنابراین، دوران رکود موجب بحران سیاسی در اقتصاد اسرائیل شد و سران صهیونیست را بر آن داشت تا در سیاستهای اقتصادی، روابط خارجی، شرایط بازار کار و سرمایه، تجدید نظر به عمل آورند.

وزیر خارجه آمریکا اعلام نمود که حمله اسرائیل به حزب الله درد زایمانی است که مردم لبنان باید آن را تحمل کنند تا از آن، خاورمیانه جدید پدید آید.

۲- شیهه سازی طرح گوانتانامو: به اسارت درآوردن بسیاری از مسئولان اصلی و عناصر مهم حزب الله و انتقال آنان به زندان‌های اسرائیل تا برای همیشه، ریشه مبارزه با اسرائیل خشکانده شود.

۳- از بین بردن مهمترین حامی فلسطین: هم اکنون در سرزمین‌های مجاور فلسطین اشغالی، حزب الله مهمترین مانع تسلط اسرائیل بر جنبش‌های فلسطینی به شمار می‌رود. اسرائیل می‌خواست با نابودی حزب الله، موجب مأیوس شدن فلسطینی‌ها از مبارزه با رژیم صهیونیستی و سپس با اعمال فشار نظامی سنگین بر دولت حماس، موجب سرنگونی آن شده و سرانجام افراد سازشکار را بر دولت خودگردان فلسطین حاکم کند.

۴- کوتاه کردن قدرت مانور جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه: آمریکا با کمک اسرائیل می‌خواست تا قدرت نظامی حزب الله را در جریان این جنگ، کاملاً منهدم کند تا بتواند امکان واکنش حزب الله را در زمان اقدام نظامی احتمالی علیه ایران، خنثی کند و اسرائیل در صورت حمله جدید آمریکا در خاورمیانه، در یک شرایط امن و مطمئن به سر برد. البته در صورت موفقیت ارتش اسرائیل در سرکوبی حزب الله، آمریکا تلاش می‌کرد تا در لبنان دولتی کاملاً همسو با خود، بر سر کار آورد تا این دولت، وظیفه مبارزه با تفکر حزب الله در لبنان را بر عهده گرفته و از امکان ظهور دوباره حزب الله در آن کشور جلوگیری کند.

هزینه‌ها و تبعات اقتصادی جنگ سی و سه روزه

بنا به اظهارات وزیر جنگ رژیم صهیونیستی، حزب الله در طول ۳۴ روز نبرد حدود چهارهزار موشک به سوی سرزمین‌های اشغالی شلیک کرده است. جنگ اسرائیل با لبنان، ۱۵۷ کشته و ۴۵۰ مجروح از میان نیروهای اسرائیلی بر جا گذاشت. حدود هزار نفر نیز در نتیجه حملات راکتی به اسرائیل مجروح شدند.

علی‌رغم اینکه اساساً اسرائیل زمانی وارد این جنگ شد که از جهت بنیان اقتصادی وضعیت نسبتاً مناسبی داشت و رشد اقتصادی با یک واحد پول قوی و مازاد مالی همراه بود، جنگ اخیر از طرق مختلفی بر اقتصاد این رژیم فشار وارد کرد. چراکه جنگ تولید را در شمال و تقاضا را در سراسر این سرزمین از هم گسیخت. علاوه بر این، دولت مجبور شد لوازم جدیدی را جهت مخارج دفاعی و برای پرداخت هزینه‌های جبرانی به خانواده‌های آسیب‌دیده از جنگ در شمال ارائه کند که باعث خواهد شد کسری بودجه سال آینده افزایش یابد و بازپرداخت بدهی‌های خارجی کندتر گردد. وجود ریسک بالاتر ممکن است بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر بگذارد.

بر اساس پیش‌بینی موسسه بین‌المللی بیزینس مونیتور، انتظار می‌رود درگیری اخیر، لااقل یک دهم درصد رشد سال ۲۰۰۶ را تقلیل دهد (البته با این فرض که توقف عملیات جنگی با حزب الله ادامه یابد و موشک باران شمال اسرائیل از سر گرفته نشود).

بانک اسرائیل میزان خسارات اقتصادی ناشی از رکود فعالیت‌های بخش جهانگردی و صنعتی را برابر با پنج میلیارد

دوران بازسازی اقتصادی (از سال ۱۹۸۵ تا کنون):

با به قدرت رسیدن لیکود، رکود اقتصادی و تورم و کسری بودجه با اتخاذ سیاستهای اقتصادی نادرست ادامه یافت و این رژیم را در آستانه سقوط مالی قرار داد، اما با کمکهای ویژه آمریکا و روی کار آمدن دولت اتحاد ملی (کارگر - لیکود) و اتخاذ سیاستهای اصلاح اقتصادی، از بحران نجات یافت. این برنامه، موفق به کنترل تورم، کاهش هزینه‌های دولتی و پول ملی (شکل) و جلوگیری از بالا رفتن قیمت‌ها شد و در سالهای ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۸، اقتصاد

اسرائیل، رونق ویا بهبود نسبی یافته و روند رشد را از سر گرفت. البته در سال ۱۹۸۹، به علت سیاسی افزایش سرمایه‌گذاری و نیز انتفاضة مردم فلسطین، اقتصاد اسرائیل دچار رکود شد، اما آغاز دهه نود با مهاجرت یهودیان شوروی و رونق یافتن بازار و دریافت وامهای متعدد، جذب مهاجر، روند رو به رشدی یافت.

اهداف جنگ سی و سه روزه:

اهداف اعلام شده اسرائیل از حمله به لبنان عبارت بود از:

۱- از بین بردن سران گروه حزب الله لبنان با بمباران وسیع هوایی و دستگیری تعداد بسیاری از اعضای آن با عملیات هلی برن.

۲- متلاشی کردن سازمان نظامی حزب الله و انهدام شبکه ارتباطی آنها.

۳- از بین بردن تسلیحات و تجهیزات حزب الله به ویژه سیستم‌های موشک انداز و راکت انداز آن و انهدام انبارهای موشکی و مهمات حزب الله.

۴- اشغال جنوب لبنان تا رودخانه لیتانی به منظور استقرار نیروهای رزمی ناتو در آن و ایجاد یک دیوار حایل مطمئن رزمی از نیروهای اروپایی.

۵- آزادسازی دو اسیر اسرائیلی از دست حزب الله. اما اسرائیل علاوه بر اهداف اعلام شده، اهداف دیگری را نیز به نیابت از آمریکا دنبال می‌کرد که می‌توان آنها را به شرح زیر جمع بندی کرد:

۱- کمک به آمریکا برای تشکیل یک خاورمیانه جدید:

به سبب فقدان انباشته و ذخیره سرمایه ملی، دریافت غرامتهای پرداختی از آلمان و کمکهای یهودیان به این کشور، نقش عمده‌ای در پیشرفت اقتصاد این کشور داشته است.

بانک اسرائیل میزان خسارات اقتصادی ناشی از رکود فعالیت‌های بخش جهانگردی و صنعتی را برابر با پنج میلیارد شکل (واحد پول اسرائیل)، معادل ۱/۵ میلیارد دلار اعلام کرده است.



شکل (واحد پول اسرائیل)، معادل ۱/۵ میلیارد دلار اعلام کرده است. طبق تخمین انجمن تولید کنندگان اسرائیل که این خسارت را ۴/۶ میلیارد شکل برآورد کرده است، تولید ناخالص داخلی شهرکهای شمالی ممکن است ۱/۹ درصد و یا به عبارتی ۵/۱۱ میلیارد شکل کاهش یابد.

از سوی دیگر، پیرامون میزان خسارتهای روزانه این رژیم نیز تخمینهای متعددی توسط مقامات

این کشور بیان شده است که این خسارتهای اقتصادی روزانه حدود ۹۰ الی ۱۱۰ میلیون دلار برآورد شده است. بر اساس گزارش سازمان صنایع نظامی اسرائیل، پس از حملات موشکی حزب الله لبنان به شهر حیفا بیش از ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون شکل به تاسیسات صنعتی این شهر خسارت وارد شده است.

کشاورزی، صنعت و گردشگری در شمال همگی از این درگیری یک ماهه بدلیل موشکباران آسیب دیده اند، مردم آواره شده و کارخانجات مجبور به تعطیلی شدند. از آغاز تجاوزات نظامیان رژیم صهیونیستی به لبنان بیش از ۱۵۰۰ کارمند صهیونیستی برکنار و بیش از ۱۸۵۰ کارخانه اسرائیلی تعطیل شدند. همچنین حملات راکتی لبنان به اسرائیل موجب فرار حدود ۳۰۰ هزار اسرائیلی از خانه هایشان در شمال اسرائیل شد.

مجادلات سیاسی در مورد درگیری اخیر، ریسک بالاتری را در زمینه تجارت بین الملل بخصوص با بلوک آمریکای لاتین (مرکوسور) که گفتگوهای تجاری خود را به تاخیر انداخته اند، بوجود آورد.

در سمت هزینه نیز مصرف خصوصی در سرتاسر کشور بدلیل فراخوان سربازان ذخیره زبان دید. خالص صادرات نیز کمتر از آن چیزی که انتظار می رفت خواهد بود، چراکه تجارت از تعطیلی بندر حیفا آسیب دید و نیز حق بیمه کشتی ها افزایش چشمگیری یافت. لذا انتظار می رود کسری تجاری بیش از میزان پیش بینی شده برای سال ۲۰۰۶ باشد. سرمایه گذاری مستقیم خارجی شدیداً آسیب دیده و حتی نسبت به تقاضای داخلی و صادرات کالا وضع بدتری دارد.

خاتمه

بررسی ابعاد واقعی این شکست نیاز به دقت و کارشناسی عمیق تری دارد. خصوصاً اینکه اغلب اطلاعات منتشر شده غیر واقعی و نادرست می باشد. اما شاید بتوان اصلی ترین بعد شکست اسرائیل را در خلال این جنگ، شکست هیمنه و قدرت نظامی - اطلاعاتی آن دانست. ابر قدرتی که با پیشرفته ترین ابزارها و وسایل نظامی - تبلیغاتی چنان شکوهی را برای خود در نزد جهانیان ایجاد کرده بود که حتی تصور شکست و یا حتی کوچکترین عقب نشینی از محالات روزگار محسوب می شد، به موقیتی تنزل یافت که برای آتش بس پیش قدم شد. از دست دادن جایگاه بین المللی در کنار تضادهای درونی و زلزله در قدرت ملی چنان جایگاهی را برای اسرائیل رقم زد که سرمایه و هزینه و زمان زیادی برای جبران آن مصروف خواهد ساخت.

منابع و مأخذ:

- گزارش اکونومیست
- گزارش الشرق الاوسط
- گزارش موسسه بین المللی بیزینس مونیتور درباره اقتصاد اسرائیل
- خبرگزاری رویترز
- شورای توسعه و بازسازی لبنان
- بانک اسرائیل
- بانک مرکزی لبنان
- سخنان وزیر جنگ رژیم صهیونیستی
- برخی از روزنامه های اسرائیل

پیش بینی ۲۰۰۷ تجدید نظر شده	پیش بینی ۲۰۰۷ قبل از جنگ ۲۰۰۶	۲۰۰۶ تجدید نظر شده	۲۰۰۶ قبل از جنگ	
۳/۷	۳/۹	۳/۸	۴/۷	رشد حقیقی GDP
۲/۵	۲/۵	۲	۲	کسری مالی (درصد از GDP) تخمین
۲/۳۵	۲	۲		کسری مالی (درصد از GDP) هدف
۸۹	۸۶	۹۱	۸۹	بدهی کل دولت (درصد از GDP)

حمید احمدی نژاد



گفتاری در باب رویکرد دئیستی فون هایک به عدالت اجتماعی

نوع نگرش به «مقوله عدالت اجتماعی» دارد. که سعی این نوشته بر نشان دادن این ارتباط است.

«دئیسم» یا «خداپرستی طبیعی» نوعی جهان بینی است که خدا را خالق جهان و عالم طبیعت می‌داند اما معتقد است که خداوند پس از خلق عالم طبیعت دیگر در آن نقش و دخالتی ندارد و قوانینی که خداوند در دل عالم طبیعت به ودیعه نهاده به عنوان قوانین طبیعی چگونگی امور عالم را تعیین می‌کنند. به همین دلیل «دئیسم» یا «مکتب خداپرستی طبیعی» منکر وحی است و عقل و ندای طبیعت (قوانین طبیعی) را برای سعادت‌مند شدن انسان کافی می‌داند. تفکر دئیسم معتقد به جهان شمول بودن قوانین طبیعی است و آنها را فرامکان و فرازمان و حاکم بر کلیه پدیده‌های طبیعی و اجتماعی از جمله پدیده‌های اقتصادی می‌داند.^۱

نظریه پردازان نظام سرمایه داری تحت تاثیر چنین تفکری قائل به این هستند که بر اثر برقراری تعادل‌های اقتصادی طبق مکانیسم بازار آزاد نوعی نظم اقتصادی طبیعی حاکم خواهد شد.^۲ آدم اسمیت که نظریه دست نامرئی را بر همین اساس بیان کرد قائل به طبیعی بودن و الهی بودن این نظم بود نظمی که مداخله دولت در اقتصاد عامل بر هم زنده‌ی آن تلقی

علم اقتصاد چگونه علمی است؟ غالباً تاکید می‌شود که اقتصاد علمی «اثباتی» است و فاقد احکام ارزش می‌شود و گفته میشود که اقتصاد با دور کردن روح احکام ارزش از خود و نزدیک شدن به ریاضیات این خصوصیت را پیدا کرده است. بالاتر از این اصولا برخی معتقدند که وظیفه یک اقتصاددان همین است که بیشتر به «آنچه هست» بپردازد و نه «آنچه باید باشد» و همین باعث شده که قائل به تمایزی با عنوان تمایز اثباتی-هنجاری گردند. اما اصولا برای یک فرد ممکن است که نظریه‌هایی بپروراند یا پیرامون مشاهدات گزارشی بدهد که یکسره عاری از ارزش‌گذاری باشد.^۳

اکنون اعتقاد روز افزون بر این است که دور کردن روح احکام ارزشی از اقتصاد ممکن نیست و کاخ اقتصاد در تسخیر چند روح ماندگار است.^۴ یکی از روح‌های ماندگار در قلمرو اقتصاد را می‌توان «دئیسم» یا «خداشناسی طبیعی» دانست که ارتباطی تنگاتنگ و مهم با

«دئیسم» یا «خداپرستی طبیعی» نوعی جهان بینی است که خدا را خالق جهان و عالم طبیعت می‌داند اما معتقد است که خداوند پس از خلق عالم طبیعت دیگر در آن نقش و دخالتی ندارد.

کتاب‌های هایک است) چرا که آن را فاقد مضمون منطقی معتبر می‌داند.^۵ از نظر وی نظم‌های اجتماعی خود جوش را که تشکیل و عملکردشان به قصد و اراده‌ی افراد خاصی بستگی ندارد. نمی‌توان منصف به عادلانه یا ناعادلانه بودن کرد.^۶

بین اقتصادی این اندیشه این است که نظم بازار را نمی‌توان عادلانه یا ناعادلانه خواند و چون پذیرش اصل عدم مداخله دولت در اقتصاد مفروض گرفته شده اصولاً سخن

گفتن از عادلانه یا ناعادلانه بودند نظام حاکم بر روابط اقتصادی بی معنا و به تعبیر هایک فاقد مضمون منطقی معتبر خواهد بود. در این نظام فکری یکی از عوامل مهم تهدیدکننده بذای نظم‌های خود جوش اجتماعی از جمله نظم بازار «تبدیل جامعه به سازمان» است. برای روشن شدن معنی «تبدیل جامعه به سازمان» ذکر این نکته لازم است که هایک سازمان را تشکیلات هدفمندی می‌داند که با طرح و قصد آگاهانه‌ای بنا می‌شود و هر عضو برای تحقق هدف یا هدف‌های سازمان وظیفه خاصی را بر عهده دارد و از اختیارات و امتیازات متناسب با آن برخوردار است.^۷

این مفهوم - یعنی مفهوم سازمان - مفهومی است در مقابل نظم خود جوش و در حیطه‌ی اقتصاد نقطه‌ی مقابل «نظم خود جوش بازار» تلقی می‌شود. در اینجا طرح این سؤال بسیار بجا است که «تبدیل جامعه به سازمان» چه ارتباطی با بحث عدالت اجتماعی دارد. از نظر هایک تنها زمانی میتوان از عدالت اجتماعی سخن گفت که جامعه به صورت یک سازمان تصور شود و بنابراین هر اقدامی که در جهت تحقق عدالت اجتماعی صورت می‌گیرد به معنی تبدیل جامعه به سازمان است. تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی

می‌شد. طبیعی دانستن نظمی که بدون مداخله دولت بر اقتصاد حاکم می‌شود و تقدس قائل شدن برای آن از سوی نظریه پردازان نظام سرمایه داری ارتباط بسیار زیادی با عدم توجه به مقوله عدالت اجتماعی دارد. به گونه‌ای که گاه رویکرد دئیستی صیانت از نظم طبیعی حاکم بر روابط اقتصادی دستاویز ضدیت با عدالت اجتماعی می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان گفت در مواردی ضدیت با عدالت اجتماعی به خصوص عدالت توزیعی ریشه در اعتقاد به دئیسم و اعتقاد به قدرت «نظم طبیعی» حاکم بر روابط اقتصادی دارد. یکی از لیبرال ترین نظریه پردازان اقتصادی که نظر خود را بسیار صریح و بی پرده در مورد عدالت اجتماعی و عدالت توزیعی مطرح کرده است فریدریش آگوست فون هایک می‌باشد. در نظریات هایک می‌توان روح اندیشه دئیسم را به وضوح یافت. همان مفهومی که در اندیشه خدا پرستی طبیعی با عنوان «نظم طبیعی» معرفی می‌شد و نتیجه عدم اخلال در حاکمیت قوانین طبیعی در اندیشه هایک با عنوان «نظم خود جوش» بکار رفته و به شدت روی آن حساسیت نشان داده شده است بنابراین هر جا در سخنان هایک به عبارت «نظم خود جوش» بر می‌خوریم، باید توجه داشته باشیم که منظور او «نظم طبیعی حاکم بر روابط اقتصادی» یا به عبارت بهتر «نظم بازار» است.

معرفی عدالت اجتماعی به عنوان تهدیدی برای نظم بازار

موضع هایک در قبال عدالت اجتماعی بسیار صریح است. او از «سراب عدالت اجتماعی» سخن می‌گوید (مراد عنوان یکی از

طبیعی دانستن نظمی که بدون مداخله دولت بر اقتصاد حاکم می‌شود و تقدس قائل شدن برای آن از سوی نظریه پردازان نظام سرمایه داری ارتباط بسیار زیادی با عدم توجه به مقوله عدالت اجتماعی دارد.

در واقع نفی و زیر پا گذاشتن نظم بازار تلقی خواهد شد. همچنین چنین اقدامی به معنای به انقیاد در آوردن افراد و سلب آزادی‌های آنها است. چنان آزادی فردی که لازمه‌ی رسیدن به نظم بازار است.

از این منظر برای عملی ساختن آرمان عدالت اجتماعی باید نظم «جامعه گسترده» را به طور کلی و بنیادی تغییر داد و بدین ترتیب بسیاری از ارزش‌ها و دستاوردهای بزرگ دیگر را قربانی آن نمود. دستاوردهایی چون نظم بازار و کارکرد مؤثر آن که حاصل تمدن انسانی اند.

برای عملی ساختن آرمان عدالت اجتماعی باید نظم «جامعه گسترده» را به طور کلی و بنیادی تغییر داد و بدین ترتیب بسیاری از ارزش‌ها و دستاوردهای بزرگ دیگر را قربانی آن نمود.

تقابل صریح هایک با عدالت توزیعی

می‌توان با رویکردی توزیعی به مساله عدالت اجتماعی از نظرگاه هایک پرداخت.^۸

آرمان خواهی عدالت اجتماعی، توزیع درآمد و ثروت را در سطح کل افراد و اقشار جامعه در نظر دارد و به ناچار، نظام اقتصادی تداخل پیدا می‌کند. منطق توزیعی عدالت اجتماعی عملکرد خنثی و بی طرفانه‌ی نظم بازار را بر نمی‌تابد. چرا که اقتصاد بازار مبتنی بر ساز و کار قیمت هاست و این ساز و کار عبارت است از علائمی برای تولیدکنندگان که به خاطر نفع خودشان رد به سوی کالایی می‌آورند که افراد جامعه بیشترین نیاز یا میل را به آنها دارند. از طرفی ساز و کار قیمت‌ها هیچ گونه هدف مشخصی را از جهت توزیع درآمدی نمی‌توان دنبال کرد و اگر یک اقتدار مرکزی مثل دولت بخواهد یک وضعیت خاص توزیعی (مبتنی بر عدالت اجتماعی) را هدف قرار دهد ناگزیر کارکرد اطلاع رسانی نظام قیمت‌ها را بر هم می‌زند و کارایی بازار را از آن می‌گیرد.

منطق توزیعی عدالت اجتماعی عملکرد خنثی و بی طرفانه‌ی نظم بازار را بر نمی‌تابد. چرا که اقتصاد بازار مبتنی بر ساز و کار قیمت هاست.

نتیجه این که اتخاذ هر گونه سیاست مستقیم توزیعی برای حرکت به سمت عدالت اجتماعی به معنی نقض و نفی نظام بازار است.

دیدگاه مورد بحث در مواردی صراحتاً عدالت به معنای قرار گرفتن هر چیز در جایگاه شایسته خود را زیر سؤال می‌برد و این صراحت به اندازه‌ای است که هیچ جایی برای تویل و توجیه باقی نمی‌گذارد.

هایک میگوید این فکر که همه‌ی افراد باید متناسب با

شایستگی‌های خود یا خدماتی که به جامعه می‌دهند پاداش دریافت کنند از همان ابتدا نیازمند وجود یک اقتدار مذهبی است... نظم اجتماعی متناسب با چنین وضعی که در آن افراد در خدمت اجرای هدف‌های خاص یک نظام واحد هستند سازمان است و نه نظم خود جوش. اما «تبدیل جامعه به سازمان» یکی از بزرگترین دستاوردهای تمدن انسانی یعنی آزادی‌های فردی را که عمدتاً در سایه عملکرد «نظم خود جوش بازار» ممکن شده است از بین می‌برد.

این دیدگاه معتقد است نظم بازار مستلزم رعایت برخی قواعد رفتاری کلی است و عدالت در آن به نحوه رفتار شرکت کنندگان در رقابت اقتصادی و نیز بی طرفی داور ناظر بر رعایت قواعد بازی (دولت) است. بنابراین اگر نسبت به قواعد بازی تخلفی صورت نگیرد نتیجه عملکرد بازار را از زاویه عدالت نمی‌توان داوری نمود. ادعای عجیب تر دیدگاه مذکور این است علیرغم اینکه ادعان می‌کند توزیع درآمد و ثروت ناشی از نظم بازار ممکن است برای بعضی کسان بسیار ناگوار بیاید یعنی بازندگانی باشد که از هر نظر شایستگی شان بیشتر از برندگان است اما مدعی است این وضع را نمی‌توان ناعادلانه خواند.^۹

صاحبان این دیدگاه ادعان دارند که در قرن نوزدهم - که نظام سرمایه داری به اوج خود رسیده بود و گسترش روابط بازار در جوامع اروپای غربی شکوفایی اقتصادی چشمگیری را به دنبال آورده بود - به وضوح این امر دیده می‌شد که همه آحاد و اقشار جامعه به یکسان از این فراوانی ثروت بهره نگررفتند و در مواردی نا برابری‌های اقتصادی حتی از گذشته هم بیشتر شده بود.^{۱۰}

اما مطمئناً این اعتراف سبب می‌شود که هایک و همفکران از این وضعیت را ناعادلانه بدانند. بلکه حتی در چنین شرایطی - از نظر آنها - حرکت به سوی آرمان عدالت اجتماعی چون مستلزم کنترل نظم اقتصادی و تنظیم اداری توزیع ثروت به منظور برچیدنه شدن نابرابری اقتصادی در نظم بازار است مردود شمرده می‌شود چرا که در شرایط مذکور هر حرکت به سمت عدالت اجتماعی به معنی نفی خود جوشی - که از بزرگترین دستاوردهای تمدن انسانی دانسته می‌شود - بوده است. به همین دلیل از منطق درونی هر حرکتی مبتنی بر آرمان عدالت اجتماعی به «بر شاخ نشستن و بن بریدن» تعبیر می‌شود.

رویکرد مذکور به عدالت اجتماعی و نظم بازار رویکردی است که به وضوح می‌توان روح دنیسم را در آن یافت و این مسأله‌ای است که باز هم تاکید بر آن را لازم می‌دانیم.

(ادامه دارد.)

بررسی تغییر فرمول محاسبه‌ی نرخ بهره

اشاره: این روزها، بازار بحث تغییر فرمول محاسبه‌ی نرخ بهره در مجامع اقتصادی کشور بسیار داغ است. پس از اجبار بانک‌ها به کاهش نرخ سود تسهیلات، بانک‌ها برای جبران آن، طرح تغییر فرمول محاسبه‌ی نرخ بهره را مطرح کرده‌اند. آن چه در زیر می‌آید بررسی اجمالی این فرمول نسبت به فرمول قبلی می‌باشد.

برای آنکه خواننده محترم، با فرمول محاسباتی آشنا شود، ابتدا به شرح مختصری از آن پرداخته سپس نقدهای وارد بر آن را مطرح می‌نماییم.

پس از آن که چند بانک خصوصی اقدام به استفاده از فرمول جدید برای محاسبه تسهیلات بانکی نمودند، بانک‌های دولتی، به خصوص بانک مرکزی را بر آن داشت تا از این فرمول جدید در محاسبات خود استفاده کنند. توجه آنها به این صورت بود که اولاً از مجموع آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی قانون عملیاتی بانکی بدون ربا در رابطه با نحوه‌ی محاسبه اقساط نظری داده نشده است. لذا دو

عمل تصمیم‌گیری در این زمینه توسط بانک‌ها انجام می‌شود.

بند ۳ از ماده ۲۰ قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) تعیین حداقل و حداکثر نسبت سود بانک‌ها در معاملات اقساطی و اجاره به شرط تملیک با

تصویب شورا در اختیار بانک مرکزی گذارده است.

ثانیاً: در فرمول محاسبه‌ی فعلی بانک‌ها متحمل ضرر می‌شدند.

محاسبه در روش اول:

مشتری هر ماهه در هر قسط مبلغ ثابتی را به عنوان اصل تسهیلات و مبلغی نیز به عنوان سود تسهیلات پرداخت می‌نماید. در ماه دوم چون مقداری از اصل پول در قسط اول داده شده، مقدار مانده از اصل پول کمتر گشته، در نتیجه مقدار سود در ماه دوم کاهش پیدا می‌کند. به همین ترتیب اقساط پرداختی به صورت نزولی کاهش پیدا می‌کند. اما در عمل، بانک‌ها به دلیل مشکلات اجرایی، مجموع اقساط را بر تعداد ماههای تقسیم شده، تقسیم نمودند تا تمام اقساط یکسان شود.

محاسبه در روش پیشنهادی:

مشتری باید در هر ماه مبلغ مشخصی را به بانک به عنوان اقساط پرداخت نماید. اما در هر ماه مقدار اصل پول و سود آن متفاوت می‌باشد. در این روش بانک از قسط پرداختی مشتری، مبلغ سود تسهیلات را کم کرده مقدار حاصل بخشی از اصل تسهیلات پرداختی می‌باشد. اصل تسهیلات پرداختی در اولین قسط را از کل تسهیلات کم کرده، حاصل مبنای محاسبه سود ماه دوم قرار می‌گیرد. به همین ترتیب مبلغ ثابت سود در هر دوره کاهش و مبلغ پرداختی بابت اصل افزایش پیدا می‌کند.

نقدهای وارد:

۱- بانک با این توجیه که در روش فعلی بانک ضرر می‌کند، روش جدید را مطرح کرده، در صورتی که این کار (یکسان سازی اقساط) را خود بانک انجام داده است و مقصر اصلی بانک است نه مردم، لذا بانک باید مشکل اجرایی را خود برطرف کند.

۲- بانک اقساط را یکسان سازی نموده بدون این که به مسئله تاخیر زمانی توجه کند. بانک می‌تواند دفترچه‌هایی حاوی اقساط متفاوت را در اختیار وام‌گیرنده قرار دهد و

مشکل اجرایی را از این طریق

حل کند نه با تغییر فرمول.

۳- در روش پیشنهادی

شائبه ربوی بودن زیاد می‌باشد

زیرا در محاسبات آن از مراحبه

مربک (سود بر سود) استفاده

شده است.

۴- فرض کنیم مبلغ یک

میلیارد ریال تسهیلات را با نرخ

۱۱۷٪ از روش پیشنهادی که اقساط آن ۱۸۰ ماهه است،

محاسبه نماییم. سپس نرخ بهره سالانه عایدی بانک را

محاسبه نماییم. این نرخ در حدود ۲۳٪ می‌باشد. این یک

دروغ بزرگ به مردم است. در این فرمول گویی به اسم نرخ

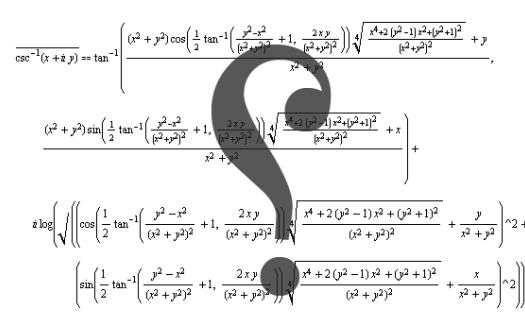
بهره ۱۱۷٪ از مردم نرخ بهره ۲۳٪ گرفته می‌شود. حال اگر نرخ

بهره هم پایین آورده شود بازهم بانک‌ها با استفاده از فرمول

جدید، نرخ بالاتری را نسبت به نرخ اعلامی خواهند گرفت.

پیشنهاد:

بهترین روش آن است که برای تسهیلات بانکی از همان روش اول استفاده شود، یعنی اقساط به صورت نزولی باشد و برای هر تسهیلات مقدار اقساط بر طبق دفترچه‌هایی چاپ شود تا بانک به طور تمام و کمال اقساط خود را دریافت کند و متضرر نشود.





اقتصاد برای همه و این پول‌های کثیف...

به این علت که این حساب‌ها به راحتی قابل ردگیری است و در هر مقیاسی با مشخصات مجرم ثبت و بسط می‌شود. لذا آنها ترجیح می‌دهند پول را به صورت نقد (cash) نگهداری کنند که البته این روش هم با توجه به این حجم پول کاری بس دشوار است. پول‌شویان به تدریج این مبالغ انبوه را به اقتصاد کشور وارد می‌کنند و برای این کار، راه و روش‌های خاصی دارند مثلاً خرید کردن پول به بخش‌های کوچک و تزریق آنها به اقتصاد یا سرمایه‌گذاری موقت در بنگاه‌ها و حتی در سازمان‌های خیریه قلابی یا انتقال پول به کشورهایی که دارای نظام بانکی آزادتری هستند و یا



خریداری کردن کالاهای غیرمنقول با ارزشی بالا که این عمل اخیر در فرایند تبدیل پول‌های اروپایی به یورو به شدت انجام گرفت.

شاید نوبت آن باشد که به مضرات این شستشوی ناپاک بپردازیم که عمده آن عدم تاثیر سیاست‌های پولی دولت و توزیع نامناسب درآمد و خروج سرمایه از کشور باشد. طبق آمار سال ۱۹۹۸ در سازمان ملل تخمین زده شد که بیش از دو میلیارد دلار پول سالانه شسته می‌شود. لذا سازمان بین‌المللی مبارزه با پول شویی (FATF) قوانینی را بر ضد این عمل وضع کرد که در بیشتر کشورها اجرا می‌شود. ایران هم به نوبه‌ی خود قوانینی را تصویب کرده است که به یکی از آنها اشاره می‌کنیم:

«شخصی که مرتکب جرم پول شویی می‌شوند (اعم از مباشر و یا شریک) علاوه بر ضبط دارایی یا منشاء غیرقانونی (در صورت نبود اصل، به بهای آن) و منافع حاصل از آن، به جزای نقدی معادل یک چهارم ارزش دارای مذکور محکوم می‌شوند».

آیا تا بحال به این فکر کرده‌اید که چگونه پول کثیف می‌شود؟ آیا به این فکر کرده‌اید که چگونه آنها را بشوید و به اصطلاح طاهر سازید؟

مسلم جانپور

اشتباه فکر نکنید، برای اینکه منظورم از کثیفی پول، کثیفی و کهنگی مادی آنها نیست بلکه می‌خواهم پدیده‌ای را به شما معرفی کنم که اگرچه اثر آن مستقیماً منعکس نمی‌شود ولی در حوزه کلان تاثیرات ناگواری را خواهد داشت. این پدیده، عملی است به نام «پول شویی» (Money Laundering). اگر بخواهیم به طور ساده پول شویی را توضیح دهیم عبارت است از شستن و تطهیر پول‌هایی که از راه‌های غیرقانونی و غیرمشروع بدست می‌آید، به منظور قانونی جلوه دادن آنها.

از آنجا که این پول‌ها توسط شبکه‌های قاچاق و سیستم‌های غیرقانونی در مقیاس زیاد وارد کشوری می‌شود مجریان از محل آنها به صورت چک، کارت هوشمند (Smart Card) و کارت اعتباری (Credit Card) استفاده نمی‌کنند

نفتی‌ها بخوانند!

«مؤسسه‌ی مطالعات بین‌المللی انرژی» وابسته به وزارت نفت و زیر نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌باشد که برای رسیدن به اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی نظام، به زمینه‌های مطالعاتی اقتصاد انرژی، مدیریت منابع انسانی، مدیریت مالی و برنامه‌ریزی، ساختار و سازمان، مطالعات بین‌المللی و موضوعات راهبردی در سطح کلان صنعت نفت، توجه خاص دارد. این مؤسسه در راستای اهداف خود، اقدام به هدایت و اجرای پروژه‌های دانشجویی می‌کند و یکی از مسئولین خود را نیز مسؤول هدایت دانشجو قرار می‌دهد. مهم‌ترین محورهای تحقیقی مورد نظر این مؤسسه به شرح زیر می‌باشد:

- انجام مطالعات فنی و اقتصادی طرح‌های بزرگ توسعه‌ی صنعت نفت و گاز کشور
- مدیریت مالی و ارزیابی مالی و اقتصادی و اجتماعی طرح‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری در صنعت نفت
- تعیین استراتژی‌های آتی صنعت نفت و شناسایی موانع و مشکلات استراتژیک این صنعت
- تبیین الگوی مناسب مصرف نفت ایران
- بازاریابی، فروش و تجارت جهانی نفت خام و گاز طبیعی و فراورده‌های پتروشیمی
- تحقیق پیرامون افزایش سهم ایران در اوپک و بازارهای جهانی نفت
- ...

این مؤسسه‌ی مطالعاتی، دانشجویانی را که علاقمند به تحقیق و پژوهش در این زمینه هستند پشتیبانی مالی و علمی می‌کند. علاقمندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند به دفتر دانشکده مراجعه نمایند.

پایگاه بورس، راه‌اندازی شد

مرکز تحقیقات سازمان بورس اوراق بهادار، طی نامه‌ای از راه‌اندازی و تجهیز سایت اینترنتی این سازمان خبر داد. گزیده‌ی نامه بدین شرح است:

برای ایجاد دسترسی به اطلاعات برای دانشجویان، محققین، تحلیل‌گران مالی و سایر علاقمندان، سایت اینترنتی سازمان بورس اوراق بهادار تجهیز شده است. اطلاعات سایت شامل موارد زیر می‌شود:

- تحقیقات (گزارش پژوهشی، مقالات، پایان نامه‌های مرتبط، مطالعات اسلامی)
- قوانین و مقررات ناظر بر بازار سرمایه
- داده‌های آماری (خصوصاً شاخص بازده نقدی و قیمت شرکتها برای محاسبه ضریب β)
- آموزش و فرهنگ سازی
- گزارش‌های شرکت‌ها (شامل صورتهای مالی و یادداشتهای همراه و گزارش فعالیتهای هیات مدیره شرکت‌های پذیرفته شده در بورس از سال ۸۰ تا ۸۵)
- اخبار

- میزگرد (میزگرد مجازی برای انتقال نظرات)
 - کتابخانه (عناوین کتب موجود در کتابخانه سازمان بورس و اوراق بهادار)
- نشانی سایت مدیریت، پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی:
www.rdis.ir
- نشانی سایت کتابخانه:
www.rdislib.ir

امکان دسترسی به پایگاه اطلاعاتی

پایگاه اطلاعاتی Science Direct بزرگ‌ترین پایگاه الکترونیکی نشریات جهان است. در این پایگاه علاوه بر نشریات، کتاب، و گزارش‌های پژوهشی بی‌شماری در حوزه‌های گوناگون قرار دارد. امکان استفاده آزمایشی از منابع حوزه علوم اجتماعی و انسانی این پایگاه برای ارزیابی اشتراک بنا به درخواست کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی دانشگاه تا تاریخ ۲۰ خرداد ماه ۱۳۸۶ مهیا گردیده است. لذا خواهشمند است کلیه استادان و دانشجویان نظرات خویش را برای اشتراک و یا عدم آن اعلام نمایند.

لازم به ذکر است به علت آنکه دوره استفاده آزمایشی است، تمامی منابع آن دسترسی پذیر نبوده و پوشش زمانی دسترسی از سال ۲۰۰۲ الی ۲۰۰۷ است.

نشانی پایگاه: www.sciencedirect.com

کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی

هفدهمین کنفرانس سالانه سیاست‌های پولی و ارزی، تحولات نظام بانکی و پولی در ایران و جهان در اول و دوم خردادماه برگزار می‌شود. این کنفرانس در رابطه با رشد، اشتغال و فقرزدایی می‌باشد. محل برگزاری این کنفرانس در خیابان پاسداران، ضرابخانه، سالن آمفی تئاتر موسسه عالی بانکداری ایران می‌باشد. استفاده است.

اعلام نتایج آزمون دکترا

با اعلام نتایج آزمون دکترا، دانشجویان این مقطع کلاس‌های خود را از ۱۳۸۶/۲/۱ شروع نمودند.

اسامی پذیرفته شدگان این دوره به شرح زیر می‌باشد:

پذیرفته‌شدگان سهمیه آزاد:

- ۱- مهدی طغیانی
 - ۲- مصطفی سمیعی نسب
 - ۳- داود نصرآبادی
 - ۴- سید یحیی علوی
 - ۵- ابوالقاسم توحیدی نیا
- پذیرفته‌شدگان به شرط ارائه بورس:

- ۱- حمید رضا تابی
- ۲- ایمان حقیقی

عواقب کاهش دستوری نرخ سود بانکی



با توجه به تعیین نرخ‌های سود بانکی به صورت دستوری در کشور ما و جایگزینی کنترل‌های دولت به جای

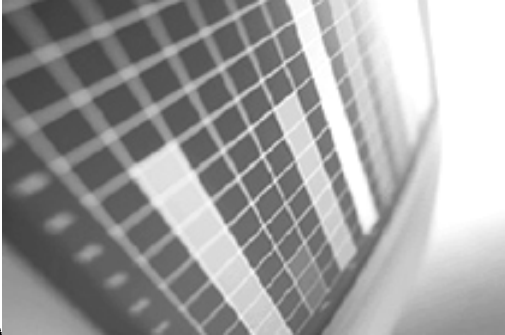
نظام بازار و واگذاری اختیار تعیین سود مورد انتظار تسهیلات اعطائی و سود سپرده‌ها به بانک‌های غیردولتی، عملاً یک رقابت نابرابر بین بانک‌های دولتی با آزادی عمل محدود و بانک‌های غیر دولتی با آزادی عمل بیشتر را ایجاد کرده است. منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی در بخش‌های مختلف اقتصادی (با تاکید بر نظام بانکداری اسلامی) امری ضروری برای اقتصاد ایران بوده و هدف مقدسی ارزیابی می‌شود. این اقدام موجب فساد و رانت در جامعه می‌شود و فعالیت اقتصادی را دچار اختلال خواهد کرد.

علاوه بر آن در کشور ما افزایش نرخ ارز و به تبع آن بالا رفتن هزینه‌های سرمایه‌گذاری باعث افزایش تقاضای پول ملی شده است. لذا با توجه به سیاست‌های انقباضی پولی طی سال‌های اخیر به منظور مهار تورم بازار پول ملی تحت تاثیر سیاست‌های دولت دچار عدم تعادل شدید شده و موجبات گسترش فعالیت‌های ربوی و افزایش نرخ بهره در بازار غیر متشکل سرمایه را فراهم نموده است.

این امر فعالیت‌های سیستم بانکی را تحت الشعاع قرار داده و سیستم بانکی نیز با ابراز نگرانی از فعالیت سودجویانه برخی از متقاضیان تمایلی نسبت به منطقی نمودن نرخ سود تسهیلات متناسب با نرخ بازدهی در بخش‌های مختلف اقتصاد از خود نشان نمی‌دهد و با بیان استدلالی همواره در صدد دفاع از منافع بنگاهداری خود عمل می‌نمایند.

در شرایطی که سیاست پولی به شدت تحت تاثیر سیاست مالی و بودجه‌ای قرار می‌گیرد، کارآمدی سیاست پولی خدشه‌دار می‌گردد و سیاست مکانیکی و بالا نگهداشتن میزان نرخ سود بانکی به منظور حفظ منافع بانک‌ها تامین کننده منافع ملی نیست.

بالاترین میزان طی دو سال گذشته بوده و از سال آینده کشور شاهد کاهش رشد اقتصادی خواهد بود اعلام شده است که در سال ۸۸ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی کشور معادل ۳/۷ درصد خواهد بود که تداوم روند نزولی این شاخص را در سال‌های ۸۹ و ۹۰ به ترتیب به ۳/۵ و ۳/۴ درصد خواهد رساند.



رتبه جمهوری اسلامی ایران در گزارش جدید وضعیت توسعه انسانی

در گزارش اخیر برنامه توسعه انسانی سازمان ملل متحد ایران رتبه نود و نه را از میان یکصد و هفتاد و هفت کشور به خود اختصاص داده است. اگرچه نسبت به سال گذشته دو رتبه افزایش یافته است، اما این ارتقا نباید چندان فریب دهنده باشد، زیرا با توجه به سند چشم‌انداز بیست ساله که انتظار می‌رود طی آن ایران مقام نخست را در توسعه در میان کشورهای خاور میانه بدست آورد، صعود چشم‌گیری را نشان نمی‌دهد. سه شاخص امید به زندگی، آموزش و تولید ناخالص در ایران در مقایسه با سال گذشته در وضعیت بهتری قرار گرفته



و به عنوان مثال امید به زندگی و تولید ناخالص داخلی به ترتیب از ۷۵ درصد و ۷۰ درصد به ۷۶ و ۷۱ افزایش یافته است.

عوامل اقتصادی موجب بحران مسکن شد

رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس رشد نقدینگی در دو سال اخیر را مهمترین عامل گرانی مسکن اعلام کرد. چون مسکن در ایران کالایی سرمایه‌ای محسوب می‌شود و از امنیت بیشتری برای سرمایه‌گذاری برخوردار است، نقدینگی به این بخش هجوم آورد و تاثیر خود را نشان داد. هزینه‌های عمرانی در بودجه ۸۵ نسبت به سال ۸۴، ۴۰ درصد افزایش داشت و رشد قابل توجه این هزینه‌ها نسبت به

رشد اقتصادی ایران امسال به ۴/۶ درصد افزایش می‌یابد

واحد اطلاعات اقتصادی اکونومیست در گزارش ماه مارس خود با اعلام رشد اقتصادی ۴/۳ درصدی کشور در سال گذشته، پیش‌بینی کرد که این شاخص در سال جاری به ۴/۶ درصد افزایش و در سال آینده به چهار درصد کاهش یابد. به پیش‌بینی این واحد، رشد اقتصادی ایران در سال جاری

در این دوران (۱۳۷۲-۱۳۶۸)، دولت به دنبال اجرای سیاست‌های انبساطی پولی و مالی و حرکت به سمت تک‌نرخ کردن ارز و آزادسازی واردات بود. به دنبال این سیاست‌ها (یعنی کاهش ارزش پول ملی و حرکت به سمت نظام ارزی شناور)، تکانه دیگری به اقتصاد وارد و باعث شد تا کشورمان بالاترین نرخ تورم را در طی سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۸۳ تجربه کند، به نحوی که نرخ تورم در سال ۱۳۷۴ به ۴۹/۴ درصد رسید.

در سال ۱۳۷۴ دولت مجدداً نرخ ارز را تثبیت و بازار غیررسمی ارز را غیرقانونی اعلام کرد و با تعیین دو نرخ اسمی و صادراتی (۱۷۵۰ و ۳۰۰۰ ریال به ازای هر دلار)، برای تثبیت قیمت‌ها تلاش کرد. به علاوه، دولت تلاش کرد با کنترل شدید اعتبارات بانکی و کاهش قدرت وام دهی بانک‌ها، حجم نقدینگی را کنترل کند. بدین ترتیب، در سال‌های بعد (۱۳۷۵ و ۱۳۷۶) مجدداً نرخ تورم کاهش یافت و در سال ۱۳۷۶ به ۱۷/۳ درصد رسید. در سال‌های ۱۳۷۶ به بعد، کاهش پیاپی قیمت جهانی نفت مجدداً موجب کاهش رشد محصول ناخالص ملی ایران شد. البته سال ۱۳۷۷ به دلیل درآمدهای حاصل از نفت، برای کشور سال بدی بود، به نحوی که در این سال درآمدهای نفتی از ۲۶ میلیارد دلار در سال قبل، به ۱۶ میلیارد کاهش یافت. این وضعیت، موجب کاهش رشد محصول ناخالص ملی شد (رشد محصول ناخالص ملی از ۳/۴ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۱/۶ درصد در سال ۱۳۷۸ کاهش یافت)، در حالی که به دلیل افزایش کسری بودجه دولت و رشد نقدینگی، نرخ تورم مجدداً افزایش یافت و به بیش از ۲۰ درصد در سال ۱۳۷۸ رسید. با بهبود قیمت نفت و آثار آن بر اقتصاد ایران، مجدداً رونق اقتصادی در کشور حکمفرما گردید. لازم به ذکر است، در سال ۱۳۷۹ قیمت هر بشکه نفت خام به طور متوسط نسبت به سال ۱۳۷۸، بیش از ۵۶ درصد رشد کرد و از ۱۶/۷۸ دلار برای هر بشکه به ۲۶/۱۳ دلار رسید. لذا در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ به دنبال رونق اقتصادی و بهتر شدن وضعیت بودجه دولت، نرخ تورم کاهش یافت. اما در سال ۱۳۸۱ به دلیل اجرای برخی سیاست‌ها از جمله حرکت به سمت تک‌نرخ شدن ارز و ... بدون تمهیدات لازم، مجدداً نرخ تورم افزایش یافت و از ۱۱/۴ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۱۵/۶ درصد در سال ۱۳۸۲ افزایش یافت و در سال ۱۳۸۳ نرخ تورم در همان سطح باقی ماند. براساس گزارش‌های رسمی بانک مرکزی، نرخ تورم در نه ماهه اول سال ۸۴ معادل ۱۴/۸ درصد بوده است.



سال قبل تأثیر بسزایی در قیمت مصالح ساختمانی از قبیل آهن و سیمان داشت.

وام‌های بانکی خرد به خریداران، نقدینگی بالا در سطح جامعه و گران شدن مصالح ساختمانی مهمترین علل ساختاری افزایش قیمت مسکن در سال گذشته بودند

عامل دیگر در رشد قیمت مسکن، رشد هزینه دستمزد کارگران ساختمانی است. دستمزد کارگران ساختمانی که جزو هزینه‌های عوامل تولید مسکن محسوب می‌شود، در سال ۸۵ حدود ۱۸ درصد افزایش یافت



سرگذشت ۳۰ ساله تورم ایران

در سال ۱۳۵۲ به دلیل افزایش شدید قیمت‌های جهانی نفت (حدود چهار برابر)، بسیاری از متغیرهای کلان اقتصادی ایران تحت تأثیر جدی قرار گرفتند که دلیل آن، اتکای اقتصاد ایران به نفت بود. برای مثال، کمبود ارز که در آن زمان مشکل اساسی بود، با رشد ۲۵۰ درصدی درآمد حاصل از صادرات نفت، از بین رفت. هزینه‌های جاری و عمرانی دولت به شدت رشد کردند (بیش از ۳۰۰ درصد) و رشد نقدینگی به دلیل افزایش ذخایر ارزی، به شدت افزایش یافت. به این ترتیب، نرخ تورم دو رقمی که تا آن زمان دیده نشده بود، در اقتصاد ایران پدیدار شد، در حالی که نرخ تورم در سال ۱۳۵۱ حدود ۷ درصد بود. این روند تا سال ۱۳۵۶ ادامه یافت و نرخ تورم به ۲۵ درصد رسید. با بروز جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ و افزایش هزینه‌های دولت، نرخ تورم افزایش یافت و به یکباره از ۱۱/۴ درصد در سال ۱۳۵۸ به ۲۳/۵ درصد در سال ۱۳۵۹ رسید. در زمان جنگ، نرخ تورم متلاطم بود که در سال ۱۳۶۴ به ۶/۹ درصد کاهش یافت

در سال ۱۳۶۵ به دلیل کاهش قیمت نفت، درآمدهای ارزی دولت به شدت کاهش یافت (درآمدهای ارزی ایران در سال ۱۳۶۵ حدود ۶ میلیارد دلار بوده است) که این کاهش باعث کاستن حجم واردات و سپس کاهش شدید رشد تولید شد. به دنبال آن، نرخ تورم در سال ۱۳۶۷ به ۹/۲۸ درصد رسید. با پایان یافتن جنگ تحمیلی و آغاز برنامه اول توسعه که برنامه بازسازی بود، درآمدهای ارزی دولت با افزایش صادرات و بالا رفتن قیمت نفت، بهبود یافت.

اسلام و توسعه اقتصادی

راهبردی برای توسعه همراه با عدالت و ثبات

دکتر چپرا برای سیر توسعه یافتگی، مراحل پنج‌گانه‌ای را ذکر می‌کند: «اولین مرحله، در چارچوب سرمایه‌داری لیبرال مبتنی بر اقتصاد آزاد تبیین می‌شود. مرحله دوم پس از بوجود آمدن تردیدهایی در باره توانایی نیروهای بازار و دخالت دولت، شروع شد. مرحله سوم نیز بازگشت به طرف بازار و رواج دیدگاههای مخالف حضور دولت بود. به تدریج روشن شد که تمرکز بیش از حد بر نقش بازار یا دولت، جستجوی سیاستی واحد و فراتر از توان، کاری است بی‌هوده. در پیشرفت توسعه، نقش به هم وابسته‌ی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و همچنین حکومت صالح، به همان اندازه ثابت گردید که نقش بازارهای رقابتی کارآ از این رو مرحله‌ی چهارم توسعه، توسعه‌ای متناسب است این مرحله تاکید بر نقش سرمایه‌ی انسانی دارد».

«اقتصاد توسعه اگر فداکارهای لازم را برای برقراری عدالت و ایجاد اعتماد متقابل میان مردم مورد توجه قرار دهد، حرکت و ورود به مرحله‌ی پنجم را آغاز کرده است.» در این مرحله «از عوامل زیادی می‌توان نام برد که مردم را به رعایت قوانین رفتاری، حتی اگر مستلزم چشم پوشی از منفعت شخصی باشد، وادار می‌کند. یکی از عوامل، بینش اسلام در مورد فطری بودن خوبی در طبیعت انسان است».

هدف اصلی مولف توجه دادن و مهم نشان دادن مرحله‌ی پنجم می‌باشد که از نظر وی می‌بایست کشورهای مسلمان سریعتر وارد مرحله پنجم شوند. آنچه که نویسنده‌ی کتاب به عنوان مرحله پنجم بیان می‌کند «وفادار بودن مردم به ارزشها» است.

نکته مهمی که آقای چپرا در نتیجه‌گیری کتاب مطرح می‌کند این است که «تا زمانی که اقتصاد، نگرش سکولاریستی خود را کنار نگذاشته و تعالی اخلاقی را در کنار پیشرفت مادی، تامین منفعت شخصی را به همراه عدالت و فداکاری و تقویت افراد، بنگاه‌ها و خانواده‌ها را در کانون توجه خود قرار نداده است، قادر به دستیابی به هدف واقعی توسعه، که رفاه و سعادت همه‌ی افراد بشر است، نخواهد بود.

نویسنده، سرانجام، در فصل آخر کتاب (فصل ششم) درباره‌ی آنچه که در کشورهای مسلمان بالاخص کشورهای عربی در حال انجام است می‌نویسد «با کمال تاسف، حکومت‌های اسلامی تاکنون از اسلام به مثابه یک شکار استفاده کرده اند و بنابراین نتوانسته اند از مساعدت اسلام در پیشرفت جامعه و اقتصاد و نجات خویش بهره مند شوند».



محمدجواد رضایی
مهدی موحدی

«اسلام و توسعه اقتصادی» نوشته‌ی آقای محمد عمر چپرا و ترجمه‌ی آقایان نظریور و علوی، کتابی است از انتشارات دانشگاه مفید که به تبیین توسعه از منظر اسلامی می‌پردازد.

مولف در مقدمه کتاب بدین گونه بحث را آغاز می‌کند که «اگر هدف توسعه، تحقق بخشیدن به سعادت واقعی است، پرسشی که در کانون توجه قرار می‌گیرد، این است که مولفه‌های خوشبختی واقعی چیست؟ آیا پول و ثروت بیشتر، خوشبختی فزون تری به ارمغان می‌آورد؟ پژوهشهای تجربی به این پرسش‌ها پاسخ منفی داده است. بینش اسلامی به اهمیت پیشرفت مادی در سعادت بشری اذعان دارد اما آن را به تنهایی کافی نمی‌داند. اسلام بر ضرورت دستیابی به کمال معنوی و قرب الهی، از راه زیستن صالحانه و تضمین عدالت برای همه‌ی بشر، فارغ از نژاد، رنگ، جنسیت و ملیت آن‌ها تاکید می‌کند. این بینش تنها در جوامعی می‌تواند به واقعیت بپیوندد که افراد آنها در برابر هموعان التزام اخلاقی و به انجام رسالت خود، تمایل داشته باشند؛ جوامعی که در آنها عدالت حاکمیت داشته، همگان در ثمرات توسعه سهیم باشند».

Address  http://www.ssrn.com  Go

Social Science Research Network (SSRN) Home Page - Microsoft Internet Explorer

File Edit View Favorites Tools Help

Address  http://www.ssrn.com/

Social Science Research Network
Tomorrow's Research Today

SSRN USER HQ

First-time user? Free Registration

USER ID

PASSWORD

Forgot ID or Password? | Help

Accounting **ARN** Research Network

Economics **ERN** Research Network

Entrepreneurship **ERP** Research & Policy Network

Financial **FEN** Economics Network

Information **ISN** Systems Network

Legal **LSN** Scholarship Network

Management **MRN** Research Network

Marketing **MKT** Research Network

Negotiations **NEG** Research Network

Social & Environmental **SEIN** Impact Network

Social Insurance **SIRN**

Home Search Submit Subscribe Shopping Cart

SSRN eLibrary
co-hosted by

CHICAGO **CSB** **ecgi**
european corporate governance institute

KOREA **UNIVERSITY** **Stanford Law School**

Top Papers Top Authors Top Institutions

Search Browse

Research Paper Series

Partners In Publishing

Institution Home Pages

Leading Social Science Research Delivered Daily

Social Science Research Network (SSRN) is devoted to the rapid worldwide dissemination of social science research and is composed of a number of specialized research networks in each of the social sciences. We have received several excellence awards for our web site.

New

[New FEN Abstracting Journal: Banking & Insurance](#)

[Announcing the Sponsorship of Two Financial Economics Network Journals](#)

[New Business Schools Join MRN Business School Research Papers](#)

[New Law Schools Join LSN Legal Studies Research Paper Series](#)

[SSRN Announces New Social and Environmental Impact Network \(SEIN\)](#)

[Announcing Barbados Group Abstracting Journal](#)

[Announcing the Sponsorship of Two Existing Legal Scholarship Network Journals](#)

[Announcing Indian Institute of Capital Markets 10th Capital Markets Conference Abstracting Journal](#)

که حدوداً شامل ۱۱۸۵۰۰ مقاله با متن کامل و قابلیت دانلود (با فرمت Pdf) می باشد. این شبکه همچنین در جهت ایجاد ارتباط بین نویسندگان، علاقمندان و مولفان خدماتی ارائه می دهد. نکته قابل توجه این است که در این سایت امکان جستجوی موضوعی بر اساس طبقه بندی JEL نیز وجود دارد که خود از خدمات مهم سایت به بازدیدکنندگان می باشد. محتویات کتابخانه الکترونیکی SSRN تاکنون شامل ۱۴۹۸۵۷ چکیده و ۱۱۸۸۷۰ مقاله با متن کامل است.

شبکه تحقیقات علوم اجتماعی SSRN به عنوان یک شبکه جهانی، برای گسترش و اشاعه تحقیقات در حوزه علوم اجتماعی اختصاص داده شده که خود ترکیبی از شبکه های پژوهشی در هر یک از رشته های علوم اجتماعی می باشد. این شبکه از قسمت های مختلفی تشکیل گردیده همچون عضویت، کتابخانه، جستجو... کتابخانه الکترونیکی شبکه تحقیقات علوم اجتماعی از دو قسمت تشکیل شده: قسمت اول یک پایگاه اطلاعاتی از چکیده مقالات است؛ قسمت دوم مجموعه مقالات الکترونیکی است

start WorldClient - Microso... Social Science Resear...

میزگرد مکتوب

لطفاً مطالب و نکات تحلیلی و کارشناسی خود را در مورد «جیره بندی مصرف بنزین» برای ما بفرستید.

این مطالب جمع بندی شده و در شماره ی بعد درج خواهد شد. می توانید مطالب خود را به

sadrjournal@gmail.com میل کنید و یا کتباً به اتاقی ۹۳۲۵ تحویل دهید.

tem in Iran is managed floating system; it means that Central Bank of Iran, by buying and selling dollar in the market, intervene in the determination process of exchange rate and try to keep the value of Rials against dollar in the specified boundary.

Avoiding exchange rate volatility by selecting one strong currency like dollar, has some advantages for the economy like preparing investment environment for potential foreign investors; because foreign investors usually like to avoid exchange rate risks. But at the same time, at least in the case of Iran, using this exchange rate system has also some disadvantages. Although in the recent years, by injecting oil dollars in the economy, Central Bank of Iran tries to control the nominal value of Iranian Rials against dollar in the prespecified boundary, but we can see that as a result of these oil dollars, there is a continues real appreciation for domestic currency in this period. This increase in the real value of domestic currency or decline in the real exchange rate, as we can see in the case of Dutch Disease phenomenon, totally destroys the comparativeness of domestic industries in the international markets.

The question is that if the result of this policy is such dramatic, why Central Bank of Iran continues to do so. There are two main explanations for this question. First, inflation targeting policy of central bank requires the nominal exchange rate not to increase or even decrease. The less the nominal exchange rate in the economy, the cheaper and more import of goods and services happen to the country and so the inflation rate will go down. Because of this fact we can see that while the value of one dollar in the market is more than 9200 Rials, the Iranian parliament approved the figure of 8900 Rials as an official price of

one dollar in the next year budget. It shows that the economic officials of Iran are more concern about inflation than comparativeness of domestic industries.

Second and more important explanation is that even if the economic officials of Iran want to increase the nominal exchange rate to protect domestic industries, they are not able to do so. Since the export of oil is the most important revenue of government in Iran, One of the major resources of any annual budget law of Iranian government is selling dollar resources through market rate. For example according to budget law of the current year, the government had the right of selling about 14.4 billion dollar at the end of last year to get enough Rial resources for its operational cost. This figure in the budget bill of next year is about 15 billion dollar. By using simple supply and demand analysis it will be clear that injecting such a huge amount of dollar yearly by the government to the foreign exchange market of Iran has no result but a decline in the nominal exchange rate or appreciation of domestic currency.

Consequently, it can be expected that the future of exchange rate system in Iran is ambiguous. By one hand, if economic officials of Iran continue their policy to keep the current value of Rial against dollar unchanged (if not increased), the future of domestic industry in terms of export expansion would be so dramatic. By the other hand, if they decide to decline the value of domestic currency and increase the nominal exchange rate, it has a bad effect on the general price level in the economy since the imported goods will be more expensive; and worse it is against the foreign exchange market rules since it is impossible to inject great amount of dollar to the market and simultaneously increase its price.

The Exchange Rate System in Iran: Some Economic Issues

▪ Hasan Kiaee

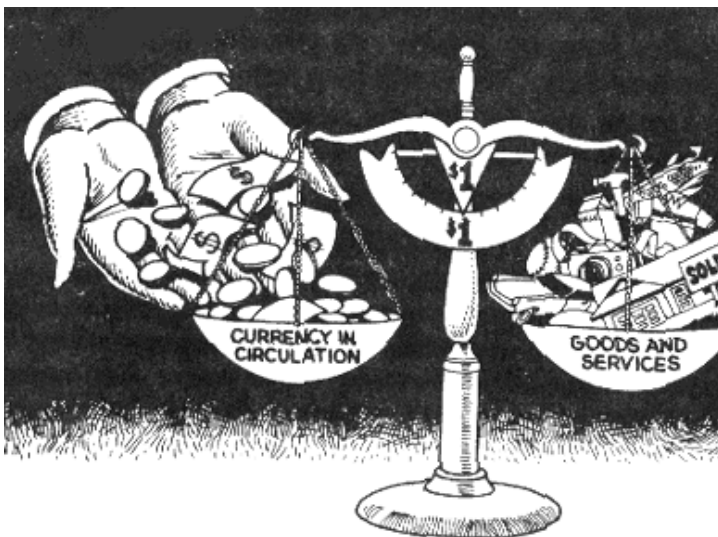
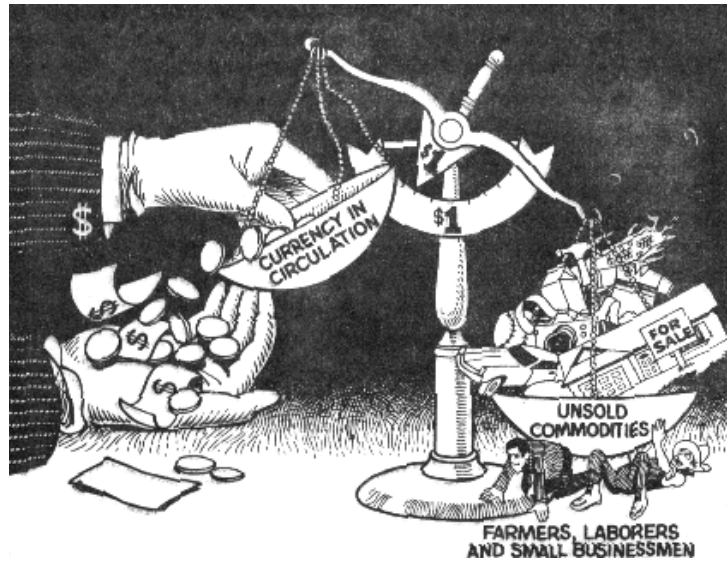


There are several exchange rate systems in the world that help economic officials in any country to adapt suitable foreign exchange policies. Usually developed countries use float exchange rate system. It means that the value of the currency of these countries is determined according to the market rules and as a result there is a great volatility in the value of these currencies. For example we can see that

the value of dollar against euro changes every 5 seconds. To avoid this large amount of volatility that some times is harmful for the weak economies, usually developing countries use one strong currency and peg their currency to it. For this reason, the same as many other developing countries, Iran has selected dollar to adjust the value of its currency in the foreign exchange market. The exchange rate sys-



No Comment!



The Economic Jokes of the Month

Three economists and three mathematicians were going for a trip by train. Before journey the mathematicians bought 3 tickets (they could count to three) and the economists only one. The mathematicians were glad their stupid colleagues were going to pay a fine. However, when the conductor was approaching their compartment, all three economists went to the nearest toilet. The conductor, noticing that somebody was in the loo, knocked on the door and in reply saw a hand with

the ticket. He checked it and the economists saved $2/3$ of the ticket price.

Next day the mathematicians decided to use the same strategy - they bought only one ticket, but the economists did not buy tickets at all. When the mathematicians saw the conductor they went to the loo, and when they heard knocking they handed in the ticket. They did not get it back. Why? The economists took it and went to the other toilet.

When Albert Einstein died, he met three New Zealanders in the queue outside the Pearly Gates. To pass the time, he asked what were their IQs. The first replied 190. "Wonderful," exclaimed Einstein. "We can discuss the contribution made by Ernest Rutherford to atomic physics and my theory of general relativ-

ity". The second answered 150. "Good," said Einstein. "I look forward to discussing the role of New Zealand's nuclear-free legislation in the quest for world peace". The third New Zealander mumbled 50. Einstein paused, and then asked, "So what is your forecast for the budget deficit next year?"

SADR

Journal of Economics Students

Year of Economic Stimulation

Leader's statements on the occasion of the new year

Israel Economy After 33 Days War

Economic conditions of Israel after Lebanon war

Does Debt Indexation Equal Riba?

Economic and Fiqh perspective on difference between Debt indexation and Riba

Explanation Process of General Policies of Article 44

Justice, The Victim of Market Order

An introduction to Theistic approach of Hayek to social justice

Changes in Interest Rate Calculation Formula

Economics for Everybody

Money Laundering

The Exchange Rate System in Iran; Some Economic Issues